

گزارشی از پشت صحنه برنامه رادیویی «بهار ایرانی» ویژه نوروز ۹۳

## صدای «بهار ایرانی» کهنه‌نمی‌شود

صحنه ۹ و ۸



## ایستگاه آخر

علی افشار

سال پرستایی را سپری کردیم که هر لحظه و روز و شبش پر از ماجرا، اتفاق و حادثه بود. تلویزیون روزهای پرشوری را سپری کرد که بخش عمده‌اش در بهار سال ۹۲ به شور اجتماعی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری برمی‌گشت و هیجانی که رسانه ملی به آن بخشید و نقش عمده‌ای در مشارکت بالای مردم در رقم خوردن حماسه‌های دیگر داشت. وقتی انتخابات تمام شد، «مناظره» که کلید اصلی پیروزی بود، به فراموشی سپرده نشد و با اقدام هوشمندانه تلویزیونی‌ها، به عنوان برنامه‌های مستقل ماند تا باب تعامل و گفت‌وگو تا انتخابات بعدی بسته نشود و تلاش شود فرهنگ مناظره بیش از پیش در جامعه جا بیفتد.

سال ۹۲ تمام شد، در حالی که منتقدان سختگیر و مردمی که رسانه خودشان را دوست دارند، انتظارات و توقعات بیشتری از تلویزیون داشتند و اهالی تلویزیون هم همواره تلاش کردند به اشکال گوناگون، به دغدغه‌های مخاطبان گسترده و کارشناسان و منتقدان منصف و با دانش رسانه ملی (که با احتیاط می‌توان آنها را شناخت و با صداقت نگاهشان همراه شد) پاسخ بدهند. محصل این‌عرضه و تقاضای حرفه‌ای و روزآمد، گلچینی از اتفاقات خوب و گاه البته رخدادهایی نه‌چندان خوشحال‌کننده بود که وقوع آنها می‌تواند در مسیر هر رسانه‌ای طبیعی باشد، اما مسلم است، تلویزیون در هر فصل از سالی که گذشت و در هر ماه، روز و ساعت، برنامه‌های جذابی روی آنتن شبکه‌های گسترده خود برد و برخلاف آنچه گاه به صورت اغراق‌آمیز (نمی‌گویم مغرضانه!) مطرح می‌شود، هیچ مقطع از سال ۹۲ را نمی‌توان به خاطر آورد که ارتباط مخاطب - رسانه دچار خدشه جبران‌ناپذیری شده باشد.

تاسیس شبکه‌های جدید در تلویزیون و رویکرد شبکه‌های دیجیتال سیما به تولید و پخش برنامه‌های جذاب، در همین اندازه هم با توجه به وضع مقدر ستودنی است. تداوم پخش سریال‌های پربیننده و برنامه‌های جذاب در همین حال و روز نشان داد برنامه‌سازان و برنامه‌ریزان رسانه ملی نمی‌خواهند لحظه‌های مخاطب به حال خود رها شود و برای هر دقیقه و ثانیه‌اش برنامه‌های ریخته‌اند و اندیشه جذب حداکثری طیف‌های مختلف اقشار جامعه همچنان در این رسانه به عنوان دغدغه اصلی مطرح است.

ضمیمه قاب کوچک در ۱۲ ماه گذشته و براساس اختیارات و افق‌های ترسیم شده تلاش کرد به میزان تلاش مدیران و برنامه‌سازان صدا و سیما، به انعکاس و تحلیل فعالیت اهالی رسانه ملی بپردازد و در این راه، پلی بین افکار عمومی و مخاطبان با برنامه‌سازان و مدیران باشد. باید سپاس گفت از همراهی گرم همه عزیزانی که با قاب کوچک از گذشته تاکنون همراه بودند و به اشکال گوناگون قردان تلاش هفتگی همکاران تحریریه قاب بودند و به همه ما انگیزه دادند.

اینک، با شما به ایستگاه آخر سال رسیده‌ایم و مسافران قاب کوچک بعد از طی مسیری یکساله، حالا باید از واگن‌های قطار ضمیمه خودشان پیاده شوند و پس از استراحتی چند هفته‌ای در انتظار رسیدن «قطار تازه» باشند. خدا قوت و سال نو مبارک!



## علی کفاشیان / طعم خوش بازیگر شدن در تلویزیون



پس از بازی پژمان جمشیدی در سریال «پژمان» و استقبال مخاطبان از آن و بازی علی انصاریان در یک فیلم سینمایی، این روزها نوبت به علی کفاشیان، رئیس فدراسیون فوتبال رسیده است تا اولین حضور تلویزیونی خود را به عنوان بازیگر تجربه کند. علی کفاشیان و تعدادی از فوتبالیست‌ها در یکی از سکانس‌های سریال «پایتخت ۳» به کارگردانی سیروس مقدم (که برای نوروز ۹۳ تهیه می‌شود) جلوی دوربین رفتند. در سکانس‌های علی کفاشیان و دیگر فوتبالیست‌ها حضور دارند شخصیت بهبود که شوهر خواهر بازیگر نقش اول است، در کسوت یک محیطبان از سوی شکارچیان غیر مجاز مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و او به دلیل تلاشش برای حفظ یوزپلنگ ایرانی به مراسم رونمایی از پیراهن تیم ملی فوتبال دعوت می‌شود. سیروس مقدم، کارگردان مجموعه تلویزیونی پایتخت با تمجید از عملکرد علی کفاشیان مقابل دوربین این مجموعه، از پیشنهادش به کفاشیان برای بازیگر خبر داده و گفته: کفاشیان بسیار حرفه‌ای و عالی کار کرد و حتی به او دیالوگ هم نداده بودیم. او تمام حرف‌هایش را بداهه گفت! اما رئیس فدراسیون فوتبال بعد از حضور کوتاهش در سریال نوروزی پایتخت ۳، درباره این‌که آیا به بازیگری فکر می‌کند یا نه، گفته: به بازیگری فکر نمی‌کنم. آمده بودیم مثلاً پیراهن تیم ملی را رونمایی کنیم که بازیگر هم شدیم. بعد از فوتبال دیگر به خانه می‌روم و استراحت می‌کنم.

## آناهیتا همتی / بازی نقش‌های طنز با جدیت



آناهیتا همتی که بیشتر به واسطه بازی در سریال‌های طنز تلویزیونی برای مخاطبان شناخته شده است، درباره چالش‌هایی که پیش روی نقش طنز وجود دارد، گفته است: وقتی نقش طنزی را بازی می‌کنم باید آن را جدی بازی کنم، بدون این‌که خودم بخندم. در واقع نقش طنز برای خودم اصلاً طنز نیست. البته شاید بازیگرهایی باشند که طنز بازی می‌کنند و در حین بازی‌شان خنده‌شان می‌گیرد و این زمانی است که می‌فهمند دارند از طنزشان لذت می‌برند. او که مدتی قبل با سریال «باغ سرهنگ» در تلویزیون حضور داشته با بیان این‌که بازی در تلویزیون برایش جدی است درباره بازی در سریال باغ سرهنگ گفته است: من خیلی خوشحالم که در این سریال بازی کردم، چون از بچه‌های سه چهار ساله تا افرادی که مسن بودند به من واکنش نشان دادند. خیلی‌ها هم می‌گفتند ما که برنامه‌های ماهواره را نگاه می‌کنیم، اما باغ سرهنگ را نگاه می‌کنیم. خیلی خوشحالم که یکی از آدم‌هایی هستم که باعث شدم مردم کمی با تلویزیون آشنایی کنند حتی خیلی‌ها می‌گفتند چرا تلویزیون باغ سرهنگ ۲ را نمی‌سازد. خانه به دوش، کلاتر، کهنه سوار، یک وجب خاک و بهشت گمشده از جمله مجموعه‌هایی است که همتی در آنها حضور داشته است.

## بهنوش بختیاری / احساس راحتی در تلویزیون



بهنوش بختیاری گرچه به عنوان پای ثابت آثار طنز شناخته می‌شود و به قول خودش فیلمنامه‌های طنز اول در خانه او می‌آید، اعلام کرده به اجبار در بعضی از آنها حضور دارد. بختیاری که این شب‌ها «عصر پاییزی» را روی آنتن شبکه یک دارد و در مجموعه شوخی کردم به کارگردانی مهران مدیری که در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شود نیز هست، گفته است: فیلم‌های طنز اصولاً اولاً در خانه من می‌آید، نمی‌دانم چرا این طوری است. قصد من هم نبود بازیگر طنز شوم. اخیراً هم هفت هشت کار را رد کردم. دوست دارم نقش‌هایی برای شخص خانم‌ها نوشته شود اما کمتر این اتفاق می‌افتد؛ بخصوص در آثار طنز کمتر ممکن است زنان محور قرار بگیرند بنابراین ما مکمل آقایان هستیم. بازیگر سریال‌های خانه به دوش، شب‌های برره، دارا و نادر و خداحافظ بچه با بیان این‌که جای فیلمنامه‌های قوی خالی است، تاکید کرده: چرا تلاش نکنیم مخاطب را دوباره به دست بیاوریم. چه بسا برخی وقت‌ها مردم دوباره با همان قوت پای تلویزیون می‌نشینند. مثل سریال «پژمان». مردم سوزه‌های خوب را تشخیص می‌دهند. من خودم از تلویزیون آمده‌ام و به آن احترام می‌گذارم، زیرا در آن احساس راحتی و امنیت بیشتری می‌کنم.

## گوهر خیراندیش / زنی که گاوصندوق‌ها را باز می‌کند



گوهر خیراندیش که این روزها در سریال نوروزی «ما فرشته نیستیم» مجید اوجی و فلورا سام ایفای نقش می‌کند، درباره حضور دوباره در تلویزیون و بازی در نقش‌های تلویزیونی گفته است: تلویزیون جایی است که همه ما در آن زندگی می‌کنیم. تلویزیون خانه اصلی ماست و یک جوری همه با هم در هر کانال آن بازی و برنامه‌سازی می‌کنیم. بنابراین روی آن تعصب داریم و دلمان می‌خواهد همه شبکه‌های آن از یک استاندارد نسبی برخوردار باشد. خیراندیش که پیش از این نیز تجربه بازی در سریال‌های

مناسبتی را داشته است، درباره نقش‌هایی که بازی کرده و به او پیشنهاد می‌شود، گفته است: به سنی رسیده‌ام که جز مادر، مادر بزرگ، عمه و خاله نقش دیگری ایفا نمی‌کنم. اگر قصه‌ها مادری یا پیرزنی داشته باشد نقش را به من پیشنهاد می‌کنند. به دلیل این‌که گرمی‌ها خیلی زیر بار گرمی‌های پیرزنی نمی‌روند. حتی اگر ببیند یک نقش با لهجه می‌خواهند، باز به سراغ من می‌آیند! بازیگر سریال‌های میوه ممنوعه، مختارنامه، کلاه پهلوی و ستایش - که پیش از این به واسطه بازی در سریال‌های همسایه‌ها، توطئه فامیلی، سفر سبز و فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای تجربه همکاری با مجید اوجی و فلورا سام را داشته - در سریال نوروزی ما فرشته نیستیم، نقش زنی را بازی می‌کند که شغل فامیلی‌اش باز کردن در گاوصندوق است.

## محمد کاسبی / بازگشت به سریال‌های نوروزی



محمد کاسبی که پس از «فراموشی» با گذشت دو سال، نوروز امسال با سریال «خوب، بد، زشت» به تلویزیون برمی‌گردد، تاکید کرد تجربه سال‌ها بازیگری و حضور در هشت سریال نوروزی به او می‌گوید خوب، بد، زشت می‌تواند بدون لودگی مخاطب را بخنداند. کاسبی درباره حضورش در این سریال گفته است: کسانی که کارهای من را دنبال کرده باشند، می‌دانند محمد کاسبی، بازیگری گزیده‌کار است. من از سال ۹۱ که در مجموعه فراموشی بازی کردم تا امروز هیچ نقشی را نپذیرفتم، اما وقتی این سریال پیشنهاد شد پس

از مطالعه فیلمنامه بسیار خوب آن علاقه‌مند شدم به این طرح بیوندم. این بازیگر قدیمی و باتجربه که در این سریال نقش دایی بهادر با بازی امین حیایی را بازی می‌کند درباره نقاط قوت این سریال گفته: خوشبختانه این سریال از لودگی پرهیز کرده زیرا لودگی خیلی بد است. متأسفانه در برخی کارها می‌بینیم بعد این اتفاق می‌افتد تا تماشاگر بخندد در حالی که به اعتقاد من ما حق نداریم به هر قیمتی لبخند را به لب مخاطب خود بیاوریم. محمد کاسبی پیش از این در سریال‌های نوروزی فراموشی، زن بابا، سه دنگ سه دنگ، خوش‌رکاب و سه در چهار حضور داشته است.

## لیا زنگنه / تلویزیون مال من است



هفته گذشته حضور لیا زنگنه در برنامه «سه ستاره» که از شبکه سه پخش می‌شود، حرف‌های متفاوت او را به دنبال داشت. زنگنه که به واسطه حضور در سریال‌هایی چون «در قلب من» و «در پناه تو» در ذهن بسیاری از مخاطبان مانده است، تاکید کرد بعد از حضور او در تلویزیون در دهه ۷۰، اتفاق خاصی برای زنان بازیگر رخ نداده و کسی نبود که بگویم فلانی آمده و عالی است و دارد پیش می‌رود. او که بتازگی در سریال «مادرانه» حضور داشته است، گفت: حرفی دارم که سال‌ها

دلم می‌خواست به گوش مسئولان برسانم. یکی از افتخارات من این است که از تلویزیون شروع کردم و تلویزیون سکوی پرتاب من بوده است. تلویزیون به من عزت، آبرو، احترام، شهرت و از همه مهم‌تر محبوبیت داده است و من همیشه خودم را مدیون تلویزیون می‌دانم و به گونه‌ای زندگی می‌کنم که احترام متقابل خود را به تلویزیون برگردانم و تلویزیون بگوید این بازیگر من است. من مال تلویزیون هستم و تلویزیون مال من است. بازیگر سریال‌های «تولد دیگری» و «مدار صفر درجه» با مرور خاطرات خود از بازی در سریال در قلب من گفته: اتفاقات عجیبی برای من افتاد و در سریال در قلب من که دقیق یادم هست سال ۷۶ آن را بازی کردم، یکی از پیشکسوتان آنجا به من گفت چقدر بد است در پناه تو، اولین سریال توست. من آن زمان معنی این حرف را نمی‌فهمیدم، اما بعدها متوجه شدم وقتی اولین کار کسی فوق‌العاده باشد همه انتظار کار فوق‌العاده از او دارند.

# مردم پشت سر رسانه

تلویزیون سال ۱۳۹۲ با کمک مردم از جاده‌های سخت عبور کرد

میثم محمدی

سال ۱۳۹۲ در حالی به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود که تلویزیون روزهای سخت و دشواری را پشت سر گذاشت و شاید یکی از سال‌هایی بود که انتقادات فراوانی به میزان تولیدات این رسانه در شبکه‌های گوناگون شد و عمده‌ترین عامل بروز این اتفاقات، مشکلات اقتصادی سازمان بود، به طوری که علی‌داری، معاون سیما هم در آخرین روزهای سال گذشته از مشکل کمبود بودجه که به تعطیلی برخی پروژه‌های تلویزیونی منجر شده نیز سخن گفت و از آن به‌عنوان پاشنه آشیل تلویزیون یاد کرد.

## سیمای خانواده و معارف در تلویزیون

در حوزه برنامه‌های اجتماعی و بحث تولیداتی که در گروه‌های معارف و اجتماعی سیما تولید می‌شود، با وجود برنامه‌های قابل توجهی مانند «از آسمان»، «سمت خدا» و «زال سخن» که از شبکه‌های مختلف روی آنتن می‌رود و فعالیت مستمر شبکه قرآن در حوزه‌های متنی و فرامتنی و برنامه‌های اجتماعی و انتقادی مانند سیمای خانواده، عصر خانواده، یک برش زندگی، ویتامین ۳ و شوک در این بخش می‌توان ادعان کرد که تلاش‌های بسیاری برای اقناع و رفع نیاز مخاطب صورت گرفته است.

## نقش پررنگ ورزش و سینما در جذب مخاطب

یکی دیگر از بزرگ‌ترین دغدغه‌های مخاطبان بخصوص جوانان بررسی مسابقه‌های گوناگون ورزشی در مهم‌ترین نقاط کشور و اقصی نقاط دیباست که برنامه‌های پر بیننده‌ای مانند «نود»، «ورزش و مردم» و «ورزش از نگاه دو» که در سال گذشته با سر و شکلی جذاب‌تر و با رویکردی قاطعانه و پر محتوا وارد عمل شد و دیگر برنامه‌های تولیدی به کار خود ادامه داد، ضمن این که شبکه ورزش هم در طول سال، هم در زمینه پوشش تحلیلی غیرمتمرکز بر ورزش‌های پرطرفدار و هم در زمینه پخش زنده مسابقه‌های ورزشی گوناگون در کنار شبکه سه سیما، از موقعیت‌ها بهترین بهره را برده و مخاطبان خود را حفظ کرد. از طرف دیگر، علاقه مردم به سینما نیز قابل اغماض نیست و بر همین اساس بررسی سینمای روز کشور و اطلاع‌رسانی از وضع اکران سینماها و گزیری به سینمای جهان و زوایای پنهان آنها نیز در دستور کار قرار گرفته و برنامه‌های پر بیننده‌ای مانند «هفت»، «سینما پشت پرده» و برنامه جدید «سینما اکران» مخاطبان خود را داشته است.

## صاحبخانه‌های آشنای نوروز

گذشته از برنامه‌های ویژه‌ای که هر ساله تلویزیون در



وجود حضور مردم در مراسم مذهبی مختلف باز هم برنامه‌ریزی‌ها با رویکردهای آموزشی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی در بستر برنامه‌های ترکیبی و تولیدی و پخش مراسم آیینی و مذهبی از شبکه‌های سیما در اولویت قرار داشت و ضمن پوشش قابل قبول و پخش راضی کننده این قبیل برنامه‌ها، دوباره مجموعه‌های تلویزیونی باید خود را مطرح می‌کردند که نسبت به سال‌های گذشته شاید آنچنان مورد توجه قرار نگرفت. شبکه یک سیما در سال ۹۲ مجموعه‌ای را ویژه ماه محرم اختصاص نداد و به ادامه پخش سریال «بچه‌های نسبتا بد» سیروس مقدم پرداخت که یکی از پر بیننده‌های سال بود و با بازیگران جوانی چون میلاد کی‌مرام و اشکان خطیبی و داستان پرکششی از نوع سیروس مقدم توانست به موفقیت دست یابد.

«خرده ستمگران» مسعود شاه محمدی هم در شبکه سه روی آنتن رفت و این مجموعه هم از تولیدات سال ۱۳۸۷ بود که در بستری اجتماعی به جستجو میان روابط پنهان انسان‌ها پرداخت و هنرمندانی چون زنده‌یاد احمد آقالو، احمد ساعتچیان، الیکا عبدالرزاقی و بهمنز جعفری در آن به ایفای نقش پرداخته بودند. اما سریال «زمانی برای عاشقی» را می‌توان به‌عنوان یکی از اثرگذارترین مجموعه‌های مناسبتی محرم تلقی کرد که توسط محمدحسین لطیفی، روایتی دلچسب از وصال دوستانی را که در روزهای نه چندان دور در ایام محرم تعزیه به پا می‌کردند، به تصویر کشید.

## آی فیلم، تماشا و...

شبکه‌های آی فیلم و تماشا نیز با رویکرد بازپخش مجموعه‌های تلویزیونی از گذشته تا امروز و پخش فیلم‌های سینمایی ایران و جهان توانستند به مخاطبانی قابل توجه در ابتدای حضور خود دست یابند و توجهات را به خود جلب کنند. البته با مضیقه اقتصادی که تلویزیون با آن مواجه بود تولیدات جدید برای این شبکه‌ها کمی دشوار به نظر می‌رسید، اما نکته قوت و جالب توجه شبکه آی فیلم در کنار تمام بازپخش‌ها و فیلم‌های تلویزیونی که پخش می‌کند و یادآور روزهای سپری شده است، تولید و پخش یک سریال با نام «یادآوری» به کارگردانی حجت قاسم‌زاده‌اصل بود که با بهره‌گیری از چهره‌های مطرح تلویزیون همچون امیر آقایی، وحید جلیلود، مسعود رایگان، رویا تیموریان، رحیم نوروزی، امیرحسین مدرس و در کنار چهره‌های جوانی چون روزه حصار و متین ستوده و فیلمنامه‌ای غافلگیرکننده و رفت و آمد در ماورا و زندگی زمینی بشدت با استقبال روبه‌رو شد و ضمن ثبت یک خاطره خوب برای مخاطبان در سال ۹۲ نوید روزهای خوبی را برای این شبکه داد.

اما در کنار این مجراهای ارتباطی شبکه‌هایی چون سلامت، پویا و مستند نیز به موضوعاتی برای مخاطبان خاص سیما از جمله مستندهای علمی و مسائل پزشکی می‌پردازند و در آن سو هم کودکان را به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین مخاطبان خود فراموش نکرده و با پخش انیمیشن‌های متنوع، خوراک فرهنگی آنان را نیز فراهم می‌کنند.

برنامه‌سازان و مدیران بود و شاید براساس بازخوردها و استقبال مخاطبان و در کنار مخالفان و اعمال نظرهایی با سلیقه‌های گوناگون، سرآمد آنها هم برنامه «ماه عسل» با اجرای احسان علیخانی و مهمانان متفاوت و ویژه او باشد که توانست طبق روال سال‌های گذشته در مسیری قابل قبول برای بینندگان حرکت کند. با این حال باز هم مخاطبان سال هاست پیش از فرارسیدن این ایام انتظار پخش مجموعه‌های تلویزیونی در حال و هوایی مناسب با حال و هوای روزهای روزهداری را می‌کشند که در سال ۹۲ مجموعه‌هایی همچون «مادرانه» به کارگردانی جواد افشار در شبکه سه سیما با بازی لعیان زنگنه و مهدی سلطانی در بستری اجتماعی و خانوادگی مهمان روزهداران شد و «دودکش» کاری از محمدحسین لطیفی با نقش آفرینی هومن برق‌نورد و بهنام تشکر و سیما تیرانداز رنگ و بوی طنز و شادی را به شبکه یک بخشید و سعید آقاخانی هم به‌عنوان کارگردان با همین زبان طنز و همراه با بازیگرانی چون جواد رضویان و یوسف تیموری و حمید لولایی مجموعه «خروس» را به شبکه دو سیما آورد و مجموعه آشنا و پر مخاطب «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» نیز با تدارکی کامل و موضوعاتی ویژه در قالب قصه‌هایی متفاوت پا به این رقابت گذاشت تا در مجموع باز هم ضمن انتقاداتی که به برخی برنامه‌ها و فضای تلخ سریال مادرانه و تناسب نداشتن با ایام ماه رمضان شد، کارنامه‌ای قابل قبول را به مخاطبان ارائه کند تا برنامه‌سازان و متولیان سیما در آزمون دیگری موفق بیرون بیایند.

## از خرده ستمگران تا زمانی برای عاشقی

ایام سوگواری ماه محرم نیز یکی دیگر از مهم‌ترین اوقات برای تولیدکنندگان و هنرمندان است و با

## مجموعه‌های شیرین رمضان

در این ماه هم تولید و پخش برنامه‌های ویژه افطار و سحر در شبکه‌های مختلف از اولویت‌های

**فرهاد جان**

تنها برای تو که اولین و آخرین حکایت بی‌انتهای محبت هستی می‌نویسم که:

**به یادت هستم**

**۲۵ اسفند روز تولدت مبارک**

دوستدارت شهاب

۱۲ ظهر است و به زمان اذان نزدیک. شعله گاز مثل همیشه روشن و عطر برنج در خانه پیچیده است. دستپخت‌های عالی‌خانم حرف ندارد و نقل همه اعضای خانه است. او آن‌قدر در آشپزی تبحر دارد که هیچ کدام از اعضای خانه تمایلی به خوردن غذاهای رستورانی ندارند و این کار مادر خانواده را کمی سخت کرده است؛ زیرا مجبور است هر روز صبح کوله‌باری از غذاها و خوراکی‌های خانگی را بسته‌بندی کند و برای فرزندان و همسر خود کنار بگذارد. مادر بزرگ نگاهش همچنان به قاب تلویزیون گره خورده است. سکوت مادر بزرگ و حرف زدن‌های مستمر عالی‌خانم با صدای تق تق در متوقف می‌شود. مادر از سمیه می‌خواهد در باز کند. علی وارد می‌شود، در حالی که سر زانوهایش گلی است و دستانت سیاه. می‌خواهد توپش را از خانه بردارد و باز

به کوچه برود که عالی‌خانم مانعش می‌شود. علی هم بناچار مقابل تلویزیون می‌نشیند. علی اخم‌هایش را باز می‌کند. مادر بزرگ به آشپزخانه می‌رود و شعله گاز را کم می‌کند. همانجا بغضش می‌ترکد. قطره‌های اشک صورتش را نمدار می‌کند. هیچ کس متوجه این ماجرا نمی‌شود. بوی برنج علی را به این پرسش ترغیب می‌کند: غذا کی آماده می‌شود؟ عالی‌خانم جواب می‌دهد: تا دست و صورت را آبی بزنی. تیک‌تاک ساعت صدای اذان را نوید می‌دهد. مادر بزرگ وضو می‌گیرد و طبق عادت همیشگی بعد از چند دقیقه‌ای دعا و ذکر گوئی، چادر نماز مخملی‌اش را پهن می‌کند. قامت می‌بندد و جانماز بستر اشک‌هایش می‌شود. مادر بزرگ دلش هوای زیارت کرده است.

سمت برنامه‌های تکراری برویم، چراکه طنز آیتمی آن هم به آن سبک در گذشته ساخته شده بود و مخاطب خود را هم داشت.

او درباره متن این اثر طنز ادامه می‌دهد: وقتی خواستیم شروع به نگارش کنیم برایمان مهم بود متن‌هایی که می‌نویسیم، وابسته به زمان نباشد که بعد از مدتی تاریخ انقضا داشته باشد. چراکه زمان پخشمان از همان روز اول مشخص نبود. به همین علت به نتیجه رسیدیم بخش‌هایی را با توجه به جامعه و اتفاقات پیرامون مان طراحی کنیم که همیشه برای مخاطب کاربرد داشته باشد و به اصطلاح ماندنی باشد. جالب بود سلیقه همه‌مان به سمت همان آیتمی‌هایی مثل «ساعت خوش» بود و از آنجا که مدت‌هاست در سبک ساعت خوش آثاری ساخته نشده بود گفتیم می‌تواند با مردم ارتباط خوبی بگیرد.

عروسک‌گردان عروسک پسرعمه‌ها که با کرکه همکاری می‌کند، درباره طراحی دکور این مجموعه طنز می‌گوید: در بخش اجرای اثر، طراح دکور و صحنه‌مان (کامیاب امین عشایری) خیلی زحمت کشیدند و با برچسب‌المان‌هایی را به جای اکسسوار دکور طراحی کردند که فکر می‌کنم کار جدیدی برای این نوع برنامه‌ها باشد. در بخش فرم و اجرا هم به همین شیوه سعی داشتیم جدید عمل کنیم.

محمد بحرانی، یکی دیگر از بازیگران این مجموعه می‌گوید: کرکه یک مجموعه طنز آیتمی است که در واقع از سال گذشته مراحل پیش تولید و تولیدش را شروع کردیم و تولید و تدوینش نیز تمام شد و الان در باکس نوروزی شبکه سه قرار دارد. ایده اولیه این مجموعه طنز، سال گذشته توسط تهیه‌کننده آقای صراف مطرح شد، رفته رفته گروه تولید تشکیل شد. طرح اولیه هم براساس مجموعه‌های طنز آیتمی بود که ما هم از این موضوع استقبال کردیم.

او ادامه می‌دهد: تا الان همه طنزهای آیتمی که دیدیم رویکرد متفاوتی داشته‌اند و هر کدام در جایگاه خود موفق بوده‌اند. ما هم از همان ابتدا سعی کردیم هویت کارهای خودمان را داشته باشیم و آن را حفظ کنیم. به هر ترتیب، گروهی که این مجموعه را تشکیل دادند، سال‌ها در دانشکده با هم کار کرده‌اند و به عبارتی به سلیقه یکدیگر واقف هستند. همه گروه، از بازیگران تئاتری هستند و در این حیطه چند سال سابقه دارند.

صدایشه عروسک‌های بیعی و همساده در مجموعه کلاه قرمزی درباره متن این آیتمی می‌افزاید: ما برای هر کدام از این آیتمی‌ها شروع، وسط و پایان در نظر گرفتیم و در ادامه این که نتیجه کار چطور شده را مخاطبان باید نظر دهند. گروه نویسندگان مان از افرادی چون هادی حجازی‌فر، امیر سلطان احمدی، مهدی شاه‌پیری، خودم و... تشکیل شده است. در ادامه جلسات زیادی برای نگارش متن‌ها برگزار کردیم و سعی مان این بود هویت مستقل خود را حفظ کنیم و از هیچ اثری تبعیت نکنیم. بیشتر افرادی که با هم در این مجموعه کار کردیم افرادی بودند که سال‌های سال کنار هم و در نمایش‌های مختلف کار کرده و کاملاً با سلیقه یکدیگر آشنا بودیم. ضمن این که در تئاترها هم تجربه حضور اپیزودیک هم داشتیم که به فضای طنزهای آیتمی زیاد بی‌ربط نیست. در هر حال طنز آیتمی در تلویزیون زیاد داشته‌ایم که البته نمونه‌های خوب و موفق بوده‌اند که در جذب مخاطب هم درست عمل کرده‌اند.

از دیگر بازیگران طنز کرکه می‌توان به گیتی قاسمی، محمد عسگری، مهدی شاه‌پیری، مهدی فرشیدسپهر، مهرداد باقری، مهرداد حداد شهناس، مجتبی معاف، میثم کریم‌پور، یوسف دریادل، اصغر حساس، رضا تهیدست، معصومه کاظمی، علیرضا کی‌منش، مجید نظیمی‌آرانی، سارا فرزادفر، هادی حجازی‌فر، سیما بلوری، امیر غریب‌زاده، شیما عرب، نوید فیاض، هادی اسفندیاری، حسن ابوالحسنی، آریتا آذرو، سیاوش قاسمی، نجمه قادری، فرهاد تفرشی، مهدی طلاجوی، سعید رمضان‌پور اشاره کرد.



# نوروز ۹۳ «کرکه» طنز را بالا می‌برد

برنامه طنز آیتمی «کرکه» به روایت سازندگان آن

ماینده میری

باید عملاً تمام حواست به این مسائل باشد و دست خیلی بسته خواهد بود. اینجاست که دیگر داشته‌های آکادمیک، تجربه‌ها و استانداردهای جهانی خیلی به درد نمی‌خورد و تو باید یک الگوی جدید و بومی با توجه به شرایط روز جغرافیای خودت خلق کنی.

او در ادامه می‌گوید: ما نزدیک به پنج ماه برای نگارش وقت گذاشتیم و حدود ۵۰۰ آیتم را به نگارش درآوردیم. البته دورریز ما خیلی بیشتر از این ارقام بود، چراکه می‌خواستیم بهترین‌ها را اجرا کنیم. خیلی از متن‌ها را هم برای مراحل بعدی گذاشتیم که اگر قرار به ادامه دادن تولید بود، آن زمان از آنها استفاده کنیم. مساله بعدی این بود که ما به هر حال به نوعی جایگزین برنامه خنده بازار می‌شدیم. هر چند طنز کرکه تفاوت‌های شایانی با خنده بازار دارد. از طرفی دیگر، آن کار هم مدت‌ها از شبکه سه در حال پخش بود و سلیقه‌ای برای مخاطبانش به وجود آورده بود و ما باید سعی می‌کردیم با مخاطب به شیوه خودمان ارتباط برقرار کنیم.

سرپرست نویسندگان کرکه در ادامه می‌گوید: الگوی ما ساعت خوش بود. موقعیت‌های طنز و فانتزی، فضایی جدید و دوری از کلیشه‌های رایج. حتماً یادتان هست ساعت خوش برخلاف استقبال مردم با چه انتقادهایی از طرف خبره‌های طنز تلویزیون روبه‌رو شد! هر چند کار ما سخت‌تر از آنها بود. آن زمان تنوع تولیدی وجود نداشت در تلویزیون و هر برنامه‌ای که ساخته می‌شد امکان دیده شدنش نبود، نه الان که باید الگوی لگاریتمی تهیه کنند، برای این که برنامه‌های خوب شبکه‌ها همزمانی پخش نداشته باشند. پس می‌بینید که به اصطلاح روی کاغذ ققدر کار ما سخت‌تر بود. حالا تولید که مکافات خودش را داشت.

امیر سلطان احمدی، نویسنده و بازیگر این مجموعه می‌گوید: از همان ابتدا که این گروه دور هم جمع شدند همه ما به این دلیل که از قبل با یکدیگر کار کرده بودیم به عبارتی سلیقه همدیگر را آن هم در مقوله طنز می‌شناختیم. در ادامه نمی‌خواستیم به

ادامه می‌دهد: به عقیده من در ساخت این اثر ساختار جدیدی در حوزه طنز خواهیم دید. در ضمن دوبار گروه نویسندگان را تغییر دادیم تا به ترکیب مورد نظر رسیدیم و از نویسندگان‌هایی که در حوزه طنز مکتوب تبحر بالایی داشتند نیز در این زمینه بهره بردیم. باید بگویم نوع طنزی که ما می‌خواهیم به مخاطب مان ارائه کنیم نه خنده بازاری است و نه ساعت خوشی و کاملاً نو و جدید است.

او در پایان افزود: هر مجموعه طنز آیتمی‌ای برای دیده شدن به زمان احتیاج دارد و از آنجا که بازیگران این مجموعه طنز از چهره‌های مشهور بازیگری نیستند، لذا زمان می‌خواهیم تا چهره و نوع بازیشان را مخاطبان بشناسند و در طول زمان دیده شوند، چراکه همه این بازیگران از بهترین‌های حوزه تئاتر هستند که تا الان در تلویزیون زیاد دیده نشده‌اند.

هادی حجازی‌فر، کارگردان و سرپرست نویسندگان مجموعه طنز کرکه که اصرار دارد وی را بیشتر تئاتری بدانیم، دانش‌آموخته هنرهای زیبا و دانشگاه تربیت مدرس در رشته کارگردانی است. او تجربه‌های مشابه طنز و همچنین کارگردانی مجموعه‌های کودک در تلویزیون را هم به عهده داشته و سردبیری و کارگردانی برنامه‌هایی همچون «کارگاه هنر»، «هنر خانه» و... برای شبکه چهار نیز در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد. او درباره مجموعه طنز کرکه می‌گوید: ابتدا چند مساله برایمان حائز اهمیت بود، از جمله این واقعیت که ورود به حیطه طنز بخصوص برای تلویزیون کار بسیار مشکلی است، آن هم نه از این نظر که ما توانایی انجام این کار را نداشتیم، بلکه در این حیطه باید تمام جوانب کار را در نظر گرفت و بعد جلو رفت؛ مثل نزدیک شدن به سیاست، ورزش، هنر و... که هر کدام از اینها هم می‌تواند با توجه به سلاقی مختلف در کنشور خط قرمزهای مخصوص خود را داشته باشد و یک اشتباه یا سهل‌انگاری کوچک تمام زحمات یک گروه مستعد را به باد دهد. یعنی شما فکر کنید برای نگارش متن‌ها

در چند سال اخیر شبکه سه علاوه بر سریال و فیلم‌هایی که برای ایام نوروز خود در نظر می‌گیرد، مجموعه طنزهای آیتمی را نیز در کنداکتور خود قرار می‌دهد. سال‌های گذشته مجموعه طنز آیتمی خنده بازار از این شبکه پخش می‌شد که بهار سال ۹۲ آخرین دوره از این مجموعه روی آنتن شبکه رفت، اما امسال شبکه سه قصد دارد یک مجموعه طنز آیتمی جدید را آن هم با فرمتی کاملاً نو روانه آنتن کند. «کرکه» عنوان این مجموعه طنز است که با سبک و شکلی جدید قرار است در ایام نوروز هر شب بعد از خیر ساعت ۲۲ از این شبکه پخش شود.

محمد نجار صراف، تهیه‌کننده این مجموعه می‌گوید: این مجموعه مراحل تصویربرداری و تولید خود را اواخر سال ۹۱ پشت سر گذاشته و گروه تمامی سکناس‌ها را در لوکیشن‌های داخلی ضبط کرده است. از همان ابتدا کار براساس لوکیشن‌های داخلی طراحی شده بود و ما هم طی همین روند پیش رفتیم و به عبارتی باید بگویم هیچ لوکیشن خارجی نداریم و در مواقعی هم که به فضای خارجی احتیاج داشتیم با دکور و صحنه آن را جبران و فضای جدیدی را به مخاطبمان ارائه کردیم.

وی ادامه می‌دهد: در این سال‌ها درست است که کار نمایشی انجام داده‌ام، اما دغدغه بسیاری برای کار طنز داشتیم و از آنجا که تا به حال از این دست کارها انجام نداده بودم، خیلی دوست داشتم آن را تجربه کنم. آن زمان که طرح را به شبکه ارائه کردیم، اوایل پخش «خنده بازار» بود که مردم هم از آن استقبال فراوانی کرده بودند.

این تهیه‌کننده می‌گوید: طراحی دکور و صحنه‌مان به شیوه‌ای جدید بود و همان‌طور که در تیزرها و عکس‌ها پیداست به این خاطر که از ابتدا می‌خواستیم کار جدیدی به مخاطبمان ارائه کنیم در این بخش هم سعی داشتیم دکورمان نیز از نظر مخاطب جدید باشد. صراف درباره نگارش متن‌های این اثر آیتمی

# سالی به رنگ خلاقیت

## نگاهی به چند اتفاق خوب تلویزیونی در سال ۱۳۹۲

محمد جلیوند

از میان برنامه‌های پر تعداد تلویزیونی شبکه‌های مختلف تلویزیونی در سال ۹۲، گاه پدیده‌هایی سر بر آورد که استقبال زیاد مخاطبان را به همراه داشت. گذشته از جذابیت بازی پخش سریال‌های تلویزیونی در شبکه‌هایی چون تماشا، آی فیلم و نمایش، اوجگیری شبکه‌هایی چون ورزش و سلامت و ادامه برنامه «مناظره» که پس از انتخابات ریاست جمهوری مخاطبان خاص خود را جذب کرد و حضور موفق مجریانی چون احسان علیخانی (با ماه عسل ویژه ماه رمضان) و علی ضیا (با برنامه ویتامین ۳) می‌توان چند اتفاق مهم سال ۹۲ تلویزیون را با مکتب بیشتری مورد تحلیل قرار داد.

ترکیب فانتزی و خیال در «آب پریا»



مرضیه برومند با تجربه‌ای طولانی در ساخت مجموعه‌های تلویزیونی، این بار در «آب پریا» به سراغ قصه‌ای بشدت فانتزی رفته و خیال و واقعیت را در هم تنیده است. قصه این کار درباره سه پری است که برای نجات جان بی‌بی آب پری از چنگ دیوی به نام اپوش به ایران سفر کرده و در این راه با مشکلات پیچیده‌ای مواجه می‌شوند. ریتم دلپذیر کار همراه با بازی‌های بسیار خوب بازیگرانش بویژه هنگامه مفید و بهناز جعفری از نقاط قوت این مجموعه است که به شکل مطلوبی پیام ارزشمند خود در زمینه مصرف صحیح آب را به مخاطبانش منتقل می‌کند. با این حال پخش نوروزی آب پریا از شبکه دو، آن هم در رقابت با رقبای قدری همچون «پایتخت ۲» و «کلاه قرمزی»، آن را تا حدودی سرفراز از میدان بیرون آورد.

هوشمندی سازندگان «کلاه قرمزی»



شبکه دو سیما در دو سه سال اخیر روی کلاه قرمزی و دوستانش سرمایه‌گذاری کرده و در مواجهه با مخاطبان به نتیجه خوبی هم رسیده است. ایرج هماسب و حمید جلیلی به عنوان مرکز ثقل سریال



کلاه قرمزی با استفاده از هوش والا و تجربه چند ساله خود برنامه‌ای را تدارک دیدند که طیف متنوعی از مخاطبان را مجذوب خویش کرد که در این میان نباید از حضور شخصیت‌های جدید عروسی چون فامیل دور، جیگر، بیعی، گابی و پسر عمه‌زا بسادگی گذشت؛ شخصیت‌های جذابی که به مرور، کلاه قرمزی را به حاشیه کشیدند و خود را به کار تحمیل کردند. دیدنی‌ترین بخش جنگ نوروزی کلاه قرمزی که البته بیشتر برای مخاطب بزرگسال جذاب به نظر می‌رسید، اجرای تئاتر با محوریت نمایشنامه‌های مهمی همچون اتللو و هملت البته به سبک کلاه قرمزی بود که شیرینی آن تا مدتی زیر زبان مخاطبان می‌ماند.

ترکیب موفق یک مثلث در «پژمان»



مثلث برادران قاسمخانی و سروش صحت در سال‌های اخیر به تولید آثاری جذاب و پرمخاطب ختم شده که نمونه‌اش را پیش از این در «ساختمان پزشکان» شاهد بوده‌ایم. این مثلث امسال با «پژمان» حضوری موفق داشت و مخاطبان بسیاری را پای گیرنده‌ها نشاند. پژمان، داستان فوتبالیست بازنشسته‌ای است که موقعیت فعلی‌اش را قبول نکرده و از راه‌های مختلف به دنبال بازگشت به مستطیل سبز است. حضور پژمان جمشیدی (بازیکن سال‌های نه‌چندان دور پرسپولیس و تیم ملی) در نقش خود بزرگ‌ترین ریسک سازندگان

این مجموعه بود که با موفقیت روبه‌رو شد که بخش مهمی از آن به بازی روان و بشدت غافلگیرکننده و دور از انتظار جمشیدی در نقش خود بازمی‌گردد. او با جسارتی مثال‌زدنی، شوخی‌های درخشان قاسمخانی‌ها را که به هجو بسیار نزدیک است، به اجرا درآورد و لحظات شیرینی را برای مخاطبانش به ارمغان آورد. در این خصوص البته نباید از کارگردانی سروش صحت و نقش او در خلق این شخصیت براحتی گذشت. موسیقی بسیار جذاب و شنیدنی گروه دنگ شو در تیتراژ پایانی پژمان نیز یکی از عوامل جذابیت این مجموعه تلویزیونی پرمخاطب سال ۹۲ بود که مخاطب را با حالی خوش بدرقه می‌کرد.

تحولات برنامه «ورزش از نگاه دو»



این برنامه قدیمی ورزشی که سال‌ها جمعه‌شب‌ها روی آنتن می‌رفت، امسال سروشکل تازه‌ای به خود گرفت و به اصطلاح پوست انداخت؛ برنامه‌ای چالشی

در حیطه ورزش‌های مختلف (نه فقط فوتبال) که تلاش زیادی برای نزدیک شدن به «نود» فردوسی‌پور دارد. نزدیک شدن به خط قرمزهای ورزش، ادعای ورزش از نگاه دو دوره جدید است که تا حدودی هم تحقق پیدا کرده است. استفاده از یک اسپانسر قوی ایده هوشمندانه تهیه‌کننده این برنامه برای هر چه بهتر شدن آن بوده که هفته گذشته با دعوت از بازیکن سابق افسانه‌ای تیم ملی آلمان (لوتار ماتیوس) عینیت پیدا کرد. استفاده از علی دایی در کنار ماتیوس در این برنامه زنده نیز ایده خوبی برای برابری شدن آن بود. با همه اینها ورزش از نگاه دو تا اینجا توانسته رقیبی جدی برای نود باشد و مخاطبان ورزش دوست بسیاری را با اجرای مجریانش (بویژه میثم زمان آبادی) پای این برنامه بنشانند که با توجه به مدت زمان کوتاه شروع دوره جدید، امیدوارکننده به نظر می‌رسد.

روند رو به رشد «هفت»



مهم‌ترین برنامه چالشی در حوزه سینما با عنوان «هفت» امسال روند رو به رشدی داشت که علت آن بیش از هر چیز دیگر به مسلط شدن تیم جدید تولید در حیطه سینما و فاصله گرفتن از سایه هفت قدیم بازمی‌گردد. امسال و با آغاز جشنواره فیلم فجر تب جشنواره در طیف‌های مختلف جامعه علاقه‌مند به سینمای ایران بالا رفت. هفت نیز در راستای این تب سینمایی در دهه جشن‌های انقلاب هر شب برنامه‌ای زنده با مدت زمانی نزدیک به سه ساعت را روی آنتن برد؛ کاری سخت و فشرده که مورد توجه علاقه‌مندان سینما قرار گرفت و آنان را تا ساعات اولیه باامداد جذب خود کرد. توجه بیشتر به بخش خبری نقطه قوت این ویژه‌برنامه است که با حضور سه خبرنگار سروشکل حرفه‌ای تری به خود گرفت و در عین حال از ریتم تند و سریعی برخوردار بود. بخش گفت‌وگو با کارگردان و عوامل فیلم‌هایی که همان روز در برج میلاد به نمایش درآمده جذابیت‌های زیادی داشت، گرچه مظلوم‌ترین بخش هفت یعنی نقد فیلم را تحت تاثیر قرار داد و به آن آسیب زد. با همه اینها محمود گبرلو در این ویژه‌برنامه جشنواره فیلم فجر نشان داد مسلط‌تر از قبل در بعد اجرا شده و در گرم‌تر کردن بحث‌های چالشی از محافظه‌کاری همیشگی‌اش تا حدودی فاصله گرفته است که می‌تواند برگ برنده هفت در سال پیش رو باشد.

ارسال با نظام تهران‌ها قبول سفارش جهت صادرات

**«قابل توجه»**

ادارات - شرکت‌ها - هتل‌ها و قنادی‌ها  
قبول سفارش در وزن‌های مختلف  
انواع آجیل - مغز - تخمه - شکلات

**با کیفیت بالا  
کلی و جزئی**

**«زیر قیمت»**

تورن: ۰۹۱۲ ۸۴۹۶۱۳۲  
دفتر فروش تهران: ۰۱۵۱ ۳۱۰۵۵

نوبت اول

**آگهی دعوت  
مجمع عمومی عادی  
به طور فوق العاده**

شرکت تعاونی مسکن پیشکسوتان و ورزشکاران  
بافروش شهر بنیوسیه از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی  
دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور  
فوق العاده نوبت اول که رأس ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ  
۱۳۹۲/۱۰/۲۰ در محل سالن نظریه‌های شهرتاری واقع در  
بافروش شهر ۲۰ متری گلشلی برگزار می‌گردد حضور بهم رسانند  
(دستور جلسه)

۱- استماع گزارش هیاتمدیره و بازرسی  
۲- طرح و تصویب صورت‌های مالی  
۳- انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل  
۴- طرح و تصویب بودجه سال جاری  
۵- تصویب این نامه نحوه پرداخت حقوق و مزایا و  
پاداش مدیرعامل  
۶- محور خرید زمین

**هیات مدیره**

**شهرستان محمودآباد**

به فاصله کمتر از یکساعت مترو با دریا و  
چشم‌انداز کامل - ۸۷ متر آبار تمان، طبقه ۳  
با آسانسور (فروش فوری) قیمت ۱۶۰ میلیون تومان  
۰۹۳۰۲۴۲۲۸۶۰

**نیاوران**

۷۰۰ متر زمین بر ۳۲  
۹۵۰ متر بنا در ۴ واحد مجزا قابل سکونت،  
دارای استخر، موقعیت خاص، جهت سکونت  
۰۹۱۲۵۵۵۷۲۷۲

**۵ کیلومتری فرودگاه امام**

آبشاری به مساحت ۵۰۰۰ متر زمین  
۱۰۰۰ متر سوله - ۱۴۰ متر دفتر اداری - تانک روشن  
۲ خط تلفن - آب - ۲۰۰ امپر برق صنعتی  
۰۹۱۲ ۱۴۸ ۶۲ ۷۴

**فردیس - مارلیک - خوشنام**

فروشی ویژه با لجه و بالغ از متراژ ۵۰۰ متر به بالا  
قیمت متری ۳۵ هزار تومان به بالا  
۰۲۶-۳۶۵-۲۸۱۳  
۰۹۳۵۶۱۷۳۹۶۸ و ۰۹۱۲۳۳۹۷۰۸۹

فعالیت می‌پردازد، باید ذهن و بدن آماده‌ای داشته باشد، عروسک را خوب بشناسد و در این زمینه مطالعه کند. روی حرکاتش فکر کند، در کارش تمرکز و خلاقیت داشته باشد و بتواند با صدایش عروسک تعامل خوبی برقرار کند. در بسیاری موارد، صدایشه‌ها پداهه گویی می‌کنند، بازی‌دهنده عروسک باید بتواند ذهن خوانی داشته باشد و حس لازم را به عروسک و تماشاچی منتقل کند.

وی درباره تفاوت کار در تئاتر و تلویزیون می‌گوید: به لحاظ پایه‌ای تفاوت خاصی ندارند. عروسک تلویزیون باید بسیار خوش ساخت و تمیز باشد و به جزئیات بیشتر دقت شود. همچنین انتخاب رنگ با دقت زیادی صورت بگیرد، چون دوربین آن را از نزدیک نشان می‌دهد. عروسک‌گردان نباید دیده شود. در تئاتر تنوع بیشتری نسبت به تلویزیون وجود دارد و عروسک‌گردان به جای عروسک حرف می‌زند، اما در برنامه تلویزیونی از صدایشه استفاده می‌شود و همیشه باید به مانیتور توجه داشت.

### دوستی به نام عروسک

از فاطمه سوزنگر می‌پرسم آیا عروسک فقط مخصوص کودکان است که می‌گوید: خیر، همان‌گونه که انیمیشن مخصوص کودکان نیست، امروزه بسیاری از پیام‌های بهداشتی، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی از طریق انیمیشن به بزرگسالان و کودکان منتقل می‌شود. عروسک مخصوص کودکان نیست و می‌توان با آن برنامه‌های جدی برای بزرگسالان ساخت. وی همچنین در پاسخ به این پرسش که چرا کودکان عروسک را دوست دارند، می‌گوید: میل به خلق کردن و آفرینش و جان بخشیدن زیباست. بچه‌ها آنچه را در دنیای خیال خود دارند با به حرکت درآوردن عروسک و صحبت کردن به جای آن عینیت می‌بخشند. با عروسک همذات‌پنداری می‌کنند. عروسک دوست خوبی است. نه از ما عصبانی می‌شود نه توقعی از ما دارد و می‌توانیم هر احساسی را به او بدهیم و دوباره پس بگیریم و هر جور دوست داریم آن را باور کنیم. از سوزنگر می‌پرسم ساخت یک عروسک چه مراحلی دارد که توضیح می‌دهد: ابتدا اطلاعات لازم را درباره شخصیت عروسک دریافت می‌کنیم و با تهیه‌کننده و نویسنده صحبت می‌کنیم. بعد روی کاغذ طراحی می‌کنیم. در صورت نیاز آن را با خمیر می‌سازیم. بعد از تأیید طرح اولیه لوازم مورد نیاز مانند اسفنج، پولیش، کاموا، خز، مهره، رنگ‌های اکریلیک و گواش و چسب خریده می‌شود و شروع به ساخت می‌کنیم. معمولاً بین دهر روز تا دو هفته نیز زمان نیاز است تا کار آماده شود.

**مردم، صدایشه عروسک را بیشتر می‌شناسند**  
حسینی مقدم درباره مشکلات کار عروسک‌گردانان می‌گوید: یک بازی‌دهنده عروسک باید به لحاظ فیزیکی همیشه ورزیده و آماده باشد. بچه‌های این رشته باید ورزش کنند تا از پس کار برآیند. در بسیاری موارد ما در شرایط بسیار سختی قرار می‌گیریم. باید پشت میز در حالت‌های سختی بنشینیم یا حتی بخوابیم تا دیده نشویم. به گردن و دست و کتف فشار زیادی وارد می‌شود که خیلی اوقات دردناک است. متأسفانه به لحاظ مالی به این حرفه و هنر توجه نمی‌شود و با وجود سختی‌هایش دستمزد پایینی دارد. گاهی اوقات تهیه‌کنندگان حتی جنس کار را نمی‌شناسند و به کیفیت کار توجه نمی‌کنند. مثلاً بارها دیده‌ام از عوامل غیرحرفه‌ای پشت صحنه خواسته‌اند بیاید و عروسکی را حرکت دهد! نکته دیگر این است که بازی‌دهنده عروسک دیده نمی‌شود. واقعیت این است که صدایشه بیشتر و بهتر به خاطر آورده می‌شود.

از قدیم هم گفته‌اند این صداست که می‌ماند. (با خنده) ضمن این که اگر طراحی عروسک صحیح صورت نگرفته باشد و در ساخت آن از مواد و وسایل نامرغوب استفاده شده باشد، حرکت دادنش سخت می‌شود. دیگر این که اگر عروسک به اصطلاح زشت باشد یا شخصیت‌پردازی خوبی نداشته باشد کار ما هم دیده نمی‌شود.



# عروسک‌ها چگونه جان می‌گیرند؟

## عروسک‌گردانی تلویزیونی در گفت‌وگو با کارشناسان

پا لباس مشکی می‌پوشند، گرداننده می‌شوند. در شیوه سیاه، عروسک‌گردان نباید دیده شود، لذا نورپردازی به گونه‌ای است که نور روی سر عروسک متمرکز می‌شود و یک تونل نوری برای اجرا ساخته می‌شود. در شیوه سایه، پرده سایه وجود دارد و عروسک‌ها پشت پرده‌ای که شبیه بوم نقاشی ساده و سفید است، قرار می‌گیرند و نور، هم از بالا و هم از پشت پرده تابیده می‌شود. عروسک‌های این روش دوبعدی هستند. به پرده چسبانده می‌شوند و تماشاچی سایه آنها را می‌بیند. این شیوه در تئاتر سنتی هندوستان و چین رواج زیادی دارد. در گذشته این عروسک‌ها از جنس پوست ساخته می‌شدند و اکنون از جنس پلاستیک هستند، اما در شیوه تئاتر کاغذی که امروزه به آن تئاتر آپارتمانی می‌گویند، عروسک‌ها دوبعدی هستند و میله‌های کوچکی به آنها متصل است و داخل یک جعبه قرار می‌گیرند. در این شیوه، عروسک‌گردان عروسک‌ها را جلو و عقب می‌راند و به جای شخصیت‌ها صحبت می‌کند و تماشاچی او را می‌بیند. در شیوه تن‌پوش هم همان‌طور که از نامش پیداست، افراد کوتاه قامت یا کودکان داخل عروسک می‌روند و عروسک‌گردانی می‌کنند. البته در کشورهای پیشرفته عروسک‌هایی ساخته شده که داخلشان موتورهای هوشمند قرار دارد که توسط عروسک‌گردان با دستگاه کنترل از راه دور کنترل می‌شود. عروسک‌ها می‌توانند راه بروند، بدوند و حتی پلک بزنند.

### عروسک، شخصیت دارد

اما هانی حسینی مقدم که این روزها عروسک‌گردانی می‌کند، می‌گوید: عروسک‌گردان باید به لحاظ فیزیکی ورزش کند تا از پس کار برآیند. در بسیاری موارد ما در شرایط بسیار سختی قرار می‌گیریم. باید پشت میز در حالت‌های سختی بنشینیم یا حتی بخوابیم تا دیده نشویم. به گردن و دست و کتف فشار زیادی وارد می‌شود که خیلی اوقات دردناک است. متأسفانه به لحاظ مالی به این حرفه و هنر توجه نمی‌شود و با وجود سختی‌هایش دستمزد پایینی دارد. گاهی اوقات تهیه‌کنندگان حتی جنس کار را نمی‌شناسند و به کیفیت کار توجه نمی‌کنند. مثلاً بارها دیده‌ام از عوامل غیرحرفه‌ای پشت صحنه خواسته‌اند بیاید و عروسکی را حرکت دهد! نکته دیگر این است که بازی‌دهنده عروسک دیده نمی‌شود. واقعیت این است که صدایشه بیشتر و بهتر به خاطر آورده می‌شود.



حرفه بهتر است بازی‌دهندگی عروسک بگوییم؛ چون عروسک دارای شخصیت است و هدایت می‌شود، اما گرداندن برای هر وسیله‌ای به کار می‌رود. این کار نوعی بازآفرینی و جان‌بخشی است. از او درباره توانایی‌های لازم برای حرفه‌بازی‌دهندگی عروسک می‌پرسم که می‌گوید: کسی که در این حرفه به

دریافت کند.

او می‌گوید: عروسک یک شیء بی‌جان و وسیله‌ای است برای بیان پیام داستان تا احساسات نهفته در یک روایت را از طریق عروسک‌گردان و عروسک به تماشاچی منتقل کند. عروسک می‌تواند یک اسباب‌بازی به شکل خرس باشد یا حتی یک فنجان. تماشاگر (که در اینجا بیشتر کودک مد نظر ماست) در عالم تخیل با هر چیزی ارتباط برقرار می‌کند. عروسک‌گردانی یعنی جان بخشیدن به عروسک که هم حرفه است و هم هنر. عروسک‌گردان با مهارت خاص خود باید یک حس یا مفهوم را به عروسک خود و تماشاگر منتقل کند. وقتی از این هنرمند می‌پرسم عروسک‌ها به چه شیوه‌هایی گردانده می‌شوند، می‌گوید: برای پاسخ به این سوال ابتدا باید انواع عروسک را بشناسیم. عروسک ماریونت، عروسکی نخی است که خاستگاه آن را ایتالیا می‌دانند. به هر عروسک هفده نخ وصل است. این عروسک در گذشته بیشتر از چوب ساخته می‌شد، اما اکنون از تلیفیک چوب و سرامیک ساخته می‌شود و در تئاتر بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد تا تلویزیون.

سوزنگر در ادامه به عروسک‌های دستکشی، ماپت، تن‌پوش و میله‌ای اشاره می‌کند. به گفته او، عروسک دستکشی از جنس اسفنج یا پارچه ساخته می‌شود و خیلی بزرگ نیست. عروسک ماپت نیز از همین جنس است، اما فکش حرکت می‌کند، دهان گشادای دارد و در اندازه‌های مختلفی ساخته می‌شود. ماپت‌ها در برنامه‌های تلویزیونی کاربرد زیادی دارند، اما عروسک تن‌پوش از جنس اسفنج و پارچه‌های پولیش ساخته می‌شود. برخی آنها فقط به شکل یک سر است که روی سر بازیگر قرار می‌گیرد یا به اندازه بدن یک انسان است. عروسک میله‌ای هم از پارچه و اسفنج ساخته می‌شود و میله‌ای داخل آن قرار می‌گیرد که عروسک روی آن سوار است و می‌تواند سرش را تکان دهد یا فک بزند. نمونه معروف آن عروسک‌های افسانه سه برادر است.

این نوع عروسک می‌تواند روی پایه‌ای قرار گیرد. او در ادامه می‌گوید: اما شیوه‌های عروسک‌گردانی با توجه به نوع عروسک و برنامه‌ای که عروسک برای آن تولید می‌شود، متفاوت است. در شیوه رومی‌زی، عروسک تمام‌قد روی میزی قرار می‌گیرد و تمام بدنش دیده می‌شود، معمولاً باتوم‌های کوچکی به آن وصل است که عروسک با کمک آنها به حرکت درمی‌آید. در شیوه بون راکو، عروسک‌های میله‌ای یا فک زن توسط افرادی که برای جلب توجه نکردن تماشاچی سر تا

### آنتین شیوا

خیلی از ما خاطرات عروسکی زیادی داریم. خاطرات از عروسک‌هایی که بر قاب تلویزیون نقش می‌بستند تا سرگرم‌مان کنند و از این رهگذر، چیزهایی نیز به ما بیاموزند. هر کدام از عروسک‌های تلویزیونی با لحظات شیرینی از زندگی کودکان دیروز و امروز گره خورده‌اند و هنوز هم در ذهن و یاد ما زنده هستند. نمایش‌های عروسکی از ساده‌ترین، قوی‌ترین و اثرگذارترین هنرهای نمایشی بوده و باراه یافتن تلویزیون به خانه‌ها، نمایش‌های عروسکی از صحنه‌های تئاتر به جعبه جادویی راه پیدا کردند و در قالب‌های متفاوت ایفای نقش کردند. عروسک‌ها و برنامه‌های عروسکی بتدریج خود را تثبیت کردند و به ابزار آموزشی برای کودکان تبدیل شدند. نقطه عطف برنامه‌های عروسکی در ایران سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ است. در این سال‌ها برنامه‌سازان فرصت یافتند آثار آموزشی جذاب خلق کنند؛ اما برآستی عروسک چیست و پشت عروسک‌هایی که بچه‌ها دوستشان دارند، با آن همذات‌پنداری کرده و به قولی از آنها اثرپذیری و حرف شنوی دارند چه کسانی می‌ایستند؟ فرصت مناسبی دست داد تا در این زمینه با فاطمه سوزنگر و هانی حسینی مقدم - که هر دو دانش‌آموخته رشته تئاتر عروسکی هستند - به گفت‌وگو بنشینیم.

### هم حرفه، هم هنر



فاطمه سوزنگر که عروسک‌گردانی در برنامه‌های تلویزیونی بسیاری مانند ریچانه و شاخ طلا، شادونه و پرندگان زبل، گل‌های زندگی و کلبه جنگلی و نمایش‌هایی چون آواز خیابان، گل سیب و شورش در مرغدانی را در کارنامه خود دارد، توانسته جوایز زیادی چون جایزه اول عروسک‌گردانی آبی در دهمین جشنواره تئاتر دفاع مقدس و جایزه ویژه هیأت داوران بیست‌وششمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان را برای طراحی و ساخت فیلم گورداله و عمه غولی (به کارگردانی نادره ترکمانی و برنده پروانه زرین جشنواره)

# دردسره‌های یک «دهکده پرماجرا»

انیمیشن تلویزیونی «دهکده پرماجرا» با تکنیک استاپ موشن تصویربرداری می‌شود



رضوان اناری

انیمیشن خارجی «بره ناقلا» از جمله کارهایی است که با تکنیک استاپ موشن تصویربرداری شده و با مخاطبان زیادی ارتباط برقرار کرده است. این تکنیک، پویایی و جذابیت خاصی به انیمیشن می‌دهد، اما تولید آن هم به همان اندازه، سخت و طاقت‌فرساست و زمان زیادی می‌گیرد. حالا یک گروه انیمیشن‌ساز ایرانی در حال تولید انیمیشنی با همان تکنیک و البته با سبک و سیاق ایرانی است که داستان آن در یک دهکده پرماجرا اتفاق می‌افتد؛ دهکده‌ای که انیمیت کردن داستان‌های آن هم چندان بدون دردسر نیست.

\*\*\*

استودیوی تولید این انیمیشن، ساختمانی قدیمی در یکی از خیابان‌های مرکزی پایتخت است و فعالیت تولید آن از اردیبهشت اسمازل آغاز شده است. حوالی ساعت ۱۰ صبح به استودیو می‌روم، اما فعالیت امروز گروه به دلیل طول کشیدن مقدمات کار شروع نشده است. این، دردسر همیشگی گروه تولید است که باعث می‌شود کارشان با یکی دو ساعت تأخیر شروع شود. مرجان کشانی، کارگردان دهکده پرماجرا در این باره می‌گوید: تا کار ما استارت بخورد در بهترین حالت، نیم ساعت طول می‌کشد. تنظیم نور، مرتب کردن دکور، آماده کردن شخصیت‌ها، تمیز کردن گرد و خاک روی صحنه و هماهنگ کردن اندازه قاب‌ها کمی طول می‌کشد که در بدترین حالت، یکی دو ساعت از ما وقت می‌گیرد و ظاهراً امروز هم یکی از بدترین روزهاست! در فاصله‌ای که گروه مشغول آماده کردن مقدمات شروع کار است، توجه من به دکور جلب می‌شود.

این دکور، فضای بیشتر استودیو را گرفته و ماکت کامل یک روستا در آن طراحی شده. یکی از اتاق‌ها به دکور اختصاص پیدا کرده البته بقیه استودیو هم بخش‌های دیگر دکور مثل باغ‌ها، خانه روستایی و حیوانات و بقیه کاراکترها را در خود جا داده است.

\*\*\*

پارچه‌ای سفیدرنگ، سراسر سقف را پوشانده و در فاصله دیوار و این پارچه هم بقیه تجهیزات نور نصب شده‌اند. دکور این انیمیشن با خانه‌های روستایی و کاراکترهای عروسکی جذابیت زیادی دارد، به طوری که من به عنوان یک بزرگسال چند دقیقه‌ای محو آن شدم.

مرجان کشانی درباره این دکور توضیح می‌دهد: برای ساخت دکورها حدود دو ماه برنامه‌ریزی اولیه انجام دادیم. اتود شخصیت‌ها و طراحی‌های دست‌ی در این مدت انجام شد. بعد از آن هم سه تا چهار ماه طول کشید تا دکورها و عروسک‌ها را بسازیم. طراحی دکورها را براساس عکس‌هایی از روستاهای ایرانی انجام داده‌ایم؛ یعنی در واقع طراحی را با عکاسی شروع کردیم.

یک دوربین عکاسی در گوشه‌ای مشرف به دکور قرار دارد. این دوربین، تک‌تک حرکات کاراکترها را ثبت

می‌کند و مستقیماً به یک

رایانه متصل شده که مراحل بعدی انیمیت کردن روی آن انجام می‌شود. تعداد زیادی نقاشی‌های بچگانه هم روی دیوارهای استودیو و بالای رایانه زده شده است.

وقتی از مرجان کشانی درباره این نقاشی‌ها می‌پرسم، به نکته‌ای جالب اشاره می‌کند و می‌گوید: بعضی اوقات برای بچه‌های مهدی‌های کودک فضای کوچکی در نظر می‌گیریم، تعداد کمی از آنها را به استودیو می‌آوریم و برای آنها یک قسمت را روی دیوار اکران خصوصی می‌گذاریم. بچه‌ها به تصاویر نگاه می‌کنند و ما عکس‌العمل بچه‌ها را ارزیابی می‌کنیم و متوجه می‌شویم آنها چقدر با تصاویر ارتباط برقرار می‌کنند. البته این کار بندرت انجام می‌شود چون تا وقتی کار کامل شود و یک خروجی تروتمیز به دست آید، زمان زیادی طول می‌کشد. این نقاشی‌ها را هم بچه‌هایی که از مهدی‌های کودک به پشت صحنه این کار آمده‌اند، کشیده‌اند. هر کدام را که زیباتر است، مدتی به دیوار می‌زنیم تا از آن لذت ببریم.

او ادامه می‌دهد: فکر می‌کنم این کار روی خود ما هم تأثیر دارد. ابتدا چون کاری در زمینه صداگذاری انجام نداده‌ایم، داستان را برایشان تعریف می‌کنیم. بعد هم که کار صداگذاری شد، همان بچه‌ها را دعوت می‌کنیم تا کار را ببینند. صدلی‌های کوتاه برای بچه‌ها می‌گذاریم که بنشینند و در زمانی که با هم گپ می‌زنند و بستنی می‌خورند، کار را هم تماشا می‌کنند. ما با دریافت عکس‌العمل آنها می‌فهمیم چقدر با کار ارتباط برقرار کرده‌اند و همین باعث می‌شود برای ادامه کار انرژی بگیریم، در ضمن این کار از لحاظ روانی هم بازتاب خوبی برای گروه دارد.

\*\*\*

کشانی به سختی تولید استاپ موشن هم اشاره می‌کند و می‌گوید: تکنیک ما در این کار، استاپ‌موشن است، تکنیکی که معمولاً به کندی پیش می‌رود. تصویر گرفتن و زمان کار طولانی است و ما در هر ماه، ده دقیقه از کار را تولید می‌کنیم. البته گاهی بیشتر حدود ۱۲ یا ۱۳ دقیقه و گاهی هم کمتر. کندی کار به این دلیل است که می‌خواهیم کار را با کیفیت خوبی روانه آنتن کنیم و فضا

خیلی خوب باشد.

ما حساسیت زیادی روی کیفیت داریم به همین دلیل هم زمان تولید زیادتر شده است.

او تأکید می‌کند: این کار نسبت به استانداردهای موجود کار خوبی شده و سعی کردیم کیفیت را بالا ببریم، چون بچه‌ها مهم‌ترین مخاطب ما هستند و آنها هستند که می‌توانند تشخیص دهند چه کاری تولید شود و چه کاری تولید نشود. وقتی بچه‌ها پای برنامه‌ها می‌نشینند، متوجه می‌شوند کدام کار بهتر است.

این کارگردان انیمیشن می‌گوید: به خاطر قدرت کیفی کارهایی که در جهان تولید می‌شود، ما هم باید سطح کیفی کارهایمان را بالا ببریم تا بچه‌ها وقتی می‌خواهند پای تلویزیون بنشینند، ترجیح ندهند تلویزیون را خاموش کنند و سی‌دی یک انیمیشن جدید را بگذارند. با توجه به این که فرهنگ ما ایرانی است و نوع گویش و روایت‌مان هم ایرانی است، بهتر است بچه‌ها، کارهای تولید داخل را ببینند تا این که بخواهند کارهای دیگر را تماشا کنند. به همین علت هم باید با کشورهای دیگر رقابت کنیم.

ما می‌توانیم در صنعت انیمیشن به یک قطب تبدیل شویم. مشکل اساسی ما هزینه‌هایمان است. برآوردهایی که برای انیمیشن انجام می‌شود، نسبت به چیزی که در جهان انجام می‌شود، بسیار متفاوت است. خروجی ما هم به همین نسبت متفاوت خواهد شد. زمانی هم که ما برای ساخت انیمیشن در نظر می‌گیریم نسبت به همه دنیا متفاوت است و همه اینها می‌توانند در روند ساخت، تأثیر بگذارند. مثلاً اگر بودجه بیشتری وجود داشته باشد، ما نیز استودیوی بزرگ‌تری برای تولید انیمیشن در نظر می‌گیریم و انیماتورهای بیشتری را جذب می‌کنیم. در مجموع هر قدر شرایط کار بهتر باشد، خروجی نیز بهتر خواهد بود.

او از لزوم گروه‌های انیمیشن بخصوص در تکنیک استاپ موشن نیز می‌گوید: ما جزو گروه‌های نوپا نیستیم، اما این تکنیک، تکنیک سنگینی است و باید از گروه‌های نوپا حمایت شود.

هم‌اکنون هفت گروه در ایران این کار را انجام

می‌دهند. این تکنیک، سخت و سنتی است و فضای متفاوتی با دوبعدی و سه‌بعدی دارد. باید به این کار بها داده شود تا تکنیک استاپ‌موشن باقی بماند. اگر به این مقوله بها داده شود، ریشه‌های انیمیشن ایران شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. انیمیشن ایران کودکی است که تازه شکل گرفته و اگر به آن بها داده شود، رشد می‌کند.

\*\*\*

دهکده پرماجرا در ۱۳ قسمت ده دقیقه‌ای تصویب شده، اما به گفته عوامل سازنده‌اش قابلیت ادامه‌دار شدن را هم دارد. این مجموعه، ماجراهای یک روستا را به تصویر می‌کشد که بچه‌های روستا در آن به مشکلاتی برمی‌خورند و کدخدا و بزرگ‌ترها سعی می‌کنند این مشکلات را حل کنند.

این انیمیشن حدود ۲۴ کاراکتر انسانی و حیوانی دارد. بچه‌هایی که در این داستان حضور دارند، شیطان و بازیگوش هستند. خودشان مشکل ایجاد می‌کنند و بعد با کمک بزرگ‌ترها مشکل را برطرف می‌کنند. در دهکده پرماجرا، پنج کودک که دو به دو خواهر و برادر هستند، نقش‌های محوری ماجرا را ایفا می‌کنند. یکی از بچه‌ها هم تنهاست که به خاطر تنهایی‌اش، گوشه‌گیر بودن، متفاوت بودن و اذیت کردن او نسبت به بچه‌های دیگر در روند داستانی به چشم می‌آید. پنج مرغ و خروس، یک گاو، یک الاغ و یک خرس که بچه‌ها از آن می‌ترسند و نیز پدر و مادر بچه‌ها، اهالی روستا و کدخدا سایر کاراکترهای دهکده پرماجرا را شکل می‌دهند. در این انیمیشن حیوانات با یکدیگر صحبت می‌کنند و در واقع ارتباطی با دنیای انسان‌ها ندارند. با هم حرف می‌زنند، اما انسان‌ها صدای آنها را نمی‌شنوند و همان صدایی را می‌شنوند که ما در طبیعت می‌شنویم. با آن که فضای این انیمیشن روستایی است، اما نه لباس خاصی که نشان‌دهنده یک فضای روستایی مشخصی باشد برای کاراکترهای انسانی در نظر گرفته شده و نه لهجه‌ای برای صحبت کردن آنها. کاراکترهای دهکده پرماجرا به گونه‌ای صحبت می‌کنند که برای همه قابل فهم باشند.

\*\*\*

داستان‌های این مجموعه، برگرفته از داستان‌های کهن ایرانی است و فضای کاملاً ایرانی دارد و برای انتقال فرهنگ ایرانی طراحی شده است. داستان‌های دهکده پرماجرا متناسب با جامعه خودمان است. روستاهای ایرانی را برای مخاطبان تداعی و فرهنگ ایرانی را منعکس می‌کند تا بچه‌ها هنگامی که آن را تماشا می‌کنند، بتوانند با آن ارتباط برقرار کرده و احساس کنند خودشان در این فضا قرار گرفته‌اند. اردیبهشت ۹۲ کار تصویربرداری شروع و هشت قسمت این مجموعه انیمیشن تولید شده است. قرار است تا پایان تیر ۹۳، تصویربرداری دهکده پرماجرا تمام شود و مراحل پس‌تولید شامل صداگذاری، افکت و موسیقی آغاز شود تا خروجی نهایی تا شهریور سال آینده آماده شود.

# صدای «بهار ایرانی»



می‌کند، به جمع آنها می‌پیوندد. بعد سعید توکل او را کنار می‌کشد و می‌گوید: حاجی فیروز را بخوان! کرمی با چند شیوه متفاوت، شعر حاجی فیروز را می‌خواند. سعید توکل سرش را تکان می‌دهد سپس به احسان کرمی می‌گوید: قدرت و انعطاف پذیری صدای تو بیش از این است، باز هم تمرین کن!

## دوری از آفت تکرار

ساغر مختاری، یکی از نویسندگان برنامه که حدود چهار سال است بخش ترانه‌های طنز، لطیفه و نمایشی را می‌نویسد، می‌گوید: نگاه من به مسائل روز جامعه است. مشکلات خانه‌تکانی، گرانی کالاها و حراج جنس‌های نامرغوب از موضوعاتی است که در برنامه امسال مطرح شده است.

جمشید مقدم، دیگر نویسنده برنامه می‌گوید: فرق نوشتن برای برنامه جمعه ایرانی با دیگر برنامه‌ها این است که مخاطبان برنامه جمعه ایرانی در جای جای ایران با سلیقه‌های مختلف زندگی می‌کنند، پس باید چیزی نوشت که مورد پسند گروه کثیری از افراد جامعه باشد. عید براریم معنی تازه شدن دارد. امیدوارم اخلاق مان هم با سال تغییر کند. مثل شکوفه‌های بهاری روحیه مردم هم عوض شود.

معصومه پاکروان، دیگر نویسنده برنامه جمعه ایرانی می‌گوید: از این که متن‌های مربوط به «آقای مثلاً» را می‌نویسم، خیلی خوشحالم، چون خودم خیلی دوستش دارم. آقای مثلاً با مسائل گوناگونی در طول سال روبه‌رو می‌شود. الان هم سرگرم خرید شب‌عید و مسائل جانبی آن است. پاکروان می‌گوید: هر وقت دل آدم شاد باشد، بهار است. همیشه به عیدی‌های معنوی فکر می‌کنم. آرزو می‌کنم در سال جدید به آرزوهای خوب خود برسید.

صادق عبدالهی، نویسنده پیشکسوت برنامه می‌گوید: بخش مسابقات و صحبت گویندگان برنامه را می‌نویسم. نوشتن طنز برای مردم با ذوق ایران سخت است، به همین دلیل می‌طلبید از شیوه‌ها و شگردهای مختلف برای بیان مطلب استفاده کرد و در ضمن نباید دچار آفت تکرار شد، زیرا اگر کاری در نظر مخاطب تکراری شود اثرگذاری خود را از دست می‌دهد.

## راز برنامه جمعه ایرانی

حسین هاشمی، حدود ۲۵ سال است با برنامه جمعه ایرانی همکاری می‌کند. او می‌گوید: شاد بودن به تنهایی عامل موفقیت برنامه نیست. مطرح کردن حرف مردم و مردمی بودن، مهم‌ترین راز برنامه جمعه ایرانی است و این همان چیزی است که مخاطب را جذب می‌کند. بخش‌های مختلفی را تاکنون نوشته‌ام و الان متن‌های مربوط به چاخانه‌ستان، عاشق‌پیشه، عمه‌جان و خبرهای ۶۰ ثانیه را می‌نویسم. در ایام عید به نبود امکانات در رستوران‌ها، جاده‌های کشور و البته به شخصیت حاجی فیروز بیشتر توجه می‌کنم.

در هر گوشه سالن گروه‌های مختلف مشغول انجام کار هستند. گروه موسیقی با توجه به شعرهایی که نوشته شده نت‌ها را تمرین می‌کند، نویسندگان برنامه بین این گروه و تیم بازیگران در رفت و آمد هستند تا مشکلات احتمالی بر طرف شود. ساعت حدود یک بعد از ظهر است. تیم صدارداری از ابتدای صبح مشغول

امسال همچون سال‌های گذشته، رادیو ایران برنامه‌های مختلفی برای ایام نوروز سال ۱۳۹۳ در نظر گرفته و یکی از آنها که همیشه در جدول پخش برنامه‌های نوروزی رادیو ایران به چشم می‌خورد، «جمعه ایرانی» است. این برنامه پس از سه دهه همچنان نفس می‌کشد و در ایام نوروز ۹۳ به رسم دیرین خود با نام «بهار ایرانی» از پنجشنبه بیست‌ونهم اسفند تا پنجشنبه فروردین و همچنین روزهای هشتم و نهم فروردین هر روز از ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه تا ۱۱ روی موج افام ردیف ۹۰ مگاهرتز پخش می‌شود.

## تلاش تیم ۵۰ نفره برای ۱۵۰ دقیقه برنامه

حدود ساعت ۱۰ صبح برای تهیه گزارش از برنامه جمعه ایرانی که به ضبط ویژه برنامه بهار ایرانی اختصاص داشت به تالار ایوان شمس می‌روم. سعید توکل تهیه‌کننده، سردبیر و کارگردان بخش هنری برنامه، مهراں امامیه، دستیار کارگردان و دیگر اعضای گروه دور یک میز بیضی شکل نشسته‌اند و مشغول تمرین هستند. با این که تیپ افراد تقریباً ثابت است، تمام مطالب بازخوانی می‌شود. بعضی جاها با توجه به نوع گفتار و شخصیتی که آن تیپ دارد، بازیگران پیشنهاد می‌کنند نکته‌ای به مطلب اضافه یا کم شود. سعید توکل هم در مواردی با تغییر موافقت می‌کند. تمرین ادامه دارد. در همین ابتدا با شیما توکل، مسئول هماهنگی و دستیار سردبیر برنامه صحبت می‌کنم. او می‌گوید: از اول هفته با نویسندگان و دیگر اعضای گروه در ارتباط هستیم تا همه چیز برای دوشنبه که ضبط داریم آماده باشد. در ضمن کارهای دیگری همچون هماهنگی مهمانان حضوری، خواندن لطیفه‌های ارسالی شنوندگان و بخش اهدای جوایز برندگان برنامه به عهده من است. او می‌افزاید: مدت زمان پخش برنامه حدود ۱۵۰ دقیقه است، ولی یک هفته کامل ۵۴ نفر کار می‌کنند تا برنامه برای روز جمعه آماده شود. پس از ضبط، سه‌شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها چیدمان برنامه تنظیم می‌شود. پنجشنبه‌ها فایل صوتی برنامه به بخش نظارت تحویل داده می‌شود و جمعه صبح مخاطبان برنامه ساعت ۹ در سراسر ایران شنونده برنامه هستند. از او می‌پرسم چند سال است با برنامه جمعه ایرانی همکاری دارد که می‌گوید: ۱۲ سال است با پدرم سعید توکل همکاری می‌کنم. پدرم در کار خیلی جدی است و فرقی بین من، رضا و علیرضا برادرانم - که در برنامه جمعه ایرانی با او همکاری می‌کنیم - با دیگر اعضای گروه نمی‌گذارد. حتی می‌توانم بگویم در مورد فرزندانم سختگیرتر است. همکاران ممکن است به هر دلیلی در طول هفته بعضی کارها را جابه‌جا کنند و به تعبیری، کار امروز را به فردا بیندازند ولی ما سه نفر نمی‌توانیم. او با خنده می‌گوید: حتی ساعت ۱۲ شب در دسترس پدر هستیم!

به کنار میز تمرین برمی‌گردم. مهراں امامیه به امیر سهیلی می‌گوید: طوری این جمله را بگو که رنگ گردنت از عصبانیت بیرون بزند! احسان کرمی در گوشه‌ای ایستاده است و متن‌های خود را می‌خواند تا این که نوبت به خبرهای ۶۰ ثانیه می‌رسد. امامیه او را صدا می‌کند. کرمی در حالی که برگ‌های تکست را جابه‌جا



خود را حفظ کنیم. امیرزا (یکی از نقش‌هایی که اجرا می‌کند) هم عید نوروز را جشن می‌گیرد. منوچهر آذری، دیگر پیشکسوت برنامه با ۴۰ سال سابقه کار هنری می‌گوید: آقای شوت زاده و کارمندیان هم این عید سعید باستانی را جشن می‌گیرند. او در پایان می‌گوید: در سایه ایزد تبارک، عید همگی بود مبارک. صد سال به این سال‌ها، عیدتون مبارک. زویا خلیل‌آذر که از دوبلورهای با سابقه صدا و سیماست، می‌گوید: آرزو می‌کنم در دنیایی پر از صلح و صفا زندگی کنیم. عید برای من معنی دور هم بودن و کنار خانواده بودن را می‌دهد. امیر سهیلی، بازیگر نقش حیف نون و آقای گیر بازار که ماجراهای خرید شب‌عید او شنیدنی است، می‌گوید: بهار جادوی عجیبی دارد. یکدفعه جادو شده، شکل و شمایل همه چیز عوض می‌شود.

شوکت حجت هم می‌گوید: شاد باشیم و دیگران را شاد کنیم. مرتضی تبریزی که نقش غضنفر و عمه‌جان (پیرزن) را بازی می‌کند با صدای غضنفر می‌گوید: بهار فصل نشاط و خرمی است. عیده همگی بیان روستا، هوا خیلی خوبه.

نصب و راه‌اندازی تجهیزات فنی است که با نصب پایه‌های میکروفن و گرفتن تست صدا کارهای اولیه این گروه تمام می‌شود. مهراں امامیه و سعید توکل با تک‌تک افراد تمرین می‌کنند. سعید توکل تا الان که ساعت نزدیک ۲ بعدازظهر است ایستاده کارها را دنبال می‌کند. اعلام می‌شود ناهار آماده است. بعد از صرف ناهار اعضای تیم جمعه ایرانی عکس دسته‌جمعی می‌گیرند.

با نزدیک شدن به ساعت ۳ بعدازظهر، برخی مخاطبان برنامه که قبلاً نام نویسی کرده‌اند وارد سالن آفتاب تالار ایوان شمس می‌شوند. در همین ابتدا، مهراں امامیه به حاضران خیرمقدم می‌گوید و ضمن معرفی اعضای برنامه اسم هر شخصی را که می‌خواند با تشویق مردم روی سن می‌آید و عید را تبریک می‌گوید.

## وقتی استودیو به لوزه در می‌آید

رضا عبیدی، بازیگر پیشکسوت با حدود ۶۰ سال سابقه کار هنری می‌گوید: قدر یکدیگر را بدانیم. روزهای رفته دیگر باز نمی‌گردد. همراه با تغییر سال خانه دل را از کدورت‌ها پاک کنیم. در قدیم سمنو پختن، دید و بازدید عید و سیزده بدر خیلی مهم بود. فرهنگ ایرانی



# کهنه نمی شود



باید. در این لحظه صدای دست و سوت جمعیت، سالن را به لرزه درمی آورد.

**تجربه‌ای که عیار برنامه را بالا می برد**  
مهران امامیه - که از سال ۶۷ با برنامه جمعه ایرانی همکاری دارد - علاوه بر اجرای برنامه نقش معلم کلاس، آقا بیات و ناصر خنگه را بازی می کند. او



می گوید: مخاطبان برنامه جمعه و ایام تعطیلات نوروز خواستار برنامه‌ای شاد و مهیج هستند، به همین دلیل تیم برنامه‌ساز تلاش می کند برنامه‌ای در خور شأن مخاطبان در ایام عید ارائه بکند. این برنامه شامل بخش‌های موزیکال، نمایش و مسابقه است که در قالب برنامه‌ای بهاری تهیه می شود. یکی از نکات مهم برنامه این است که گروه همدل هستند. هدف همه این است که برنامه‌ای با کیفیت تهیه شود. گاهی شاهد هستیم کسی که نقش به او پیشنهاد شده می گوید: اگر فلان شخص این کار را اجرا کند بهتر است. اگر تجربه کار هنری اعضای جمعه ایرانی را با هم جمع کنیم بیش از دو قرن می شود. سابقه هنری رضا عبدی عزیز و منوچهر آذری خیلی زیاد است... من از این که در کنار چنین افرادی کار می کنم افتخار می کنم و در محضر این عزیزان شاگردی می کنم. با کسب اجازه از پیشکسوتان برنامه در کنار سعید توکل با دوستان تمرین می کنم.

**مردم، برنامه را از آن خود می دانند**  
سعید توکل تهیه کننده، سردبیر و کارگردان برنامه جمعه ایرانی درباره برنامه می گوید: ما سعی می کنیم در این برنامه آن چیزی را که دلخواه مردم است طوری در قالب یک برنامه رادیویی ارائه کنیم که مخاطبان احساس کنند برنامه از آن خودشان است. در این میان انگیزه، عشق به مردم، مخاطب‌شناسی و شناخت نیازهای جامعه، تمایلات فرهنگی و سلیقه‌ای در کیفیت کاری که روی آنتن می رود، تعیین کننده است. ضمن آن که ما همیشه از پیشنهادهای و انتقادات سازنده استقبال می کنیم و برای همین است که این برنامه هیچ وقت کهنه نمی شود.

توکل با لحن و مدل جمعه ایرانی می گوید: همین که مدیران قدم رنجه می کنند و حداقل سالی یکبار در برنامه حاضر می شوند برای ما دنیایی ارزش دارد.

## چند خاطره از زبان اهالی بهار ایرانی

**حسین هاشمی، نویسنده:** تمام عید برای من خاطره است. آن سال‌ها بچه‌ها یک سال منتظر خرید لباس بودند. اولین کت و شلواوری را که پدرم برایم خرید هیچ وقت فراموش نمی کنم. در مقطع ابتدایی درس می خواندم. مرغ سعادت بر شانه‌های من نشست و آن سال پدرم برایم یک دست کت و شلوار خرید. سرشانه‌های کت تقریباً روی آرنج من بود (باخنده می گوید اندازه پدرم بود) مادرم شلوار آن را تازد و دوخت. بعدها در جشن فارغ‌التحصیلی مقطع دبیرم همین کت را پوشیدم!

**ساجر مختاری، نویسنده برنامه:** در سال‌هایی که بچه بودم و هنوز مدرسه نمی رفتم به یاد دارم یک عروسک سنگگو عیدی گرفتیم. الان هم آن را دارم، ولی دیگر حرف نمی زند!

**صادق عبدالهی، نویسنده:** به یاد دارم در روزهای سیزده بدر، همراه خانواده ساعت ۶ صبح پیاده راه می افتادیم و ساعت ۸ به باغ شازده در منطقه مجیدیه فعلی می رسیدیم. در آن سال‌ها هر چیزی مناسبتی داشت. شیرینی و آجیل عید هم از این قاعده مستثنا نبود. به همین دلیل ایام عید وقتی مهمان برای ما می آمد من و پنج برادرم منتظر رفتن آنها بودیم. زمان خداحافظی که پدر و مادر آنها را تا در خانه بدرقه می کردند ما به شیرینی و آجیل حمله می کردیم و جیب‌هایمان را پر می کردیم!

**الهام صفوی زاده، مجری:** اولین عیدی‌ای که گرفتیم و آن را به یاد می آورم، در چهار سالگی بود که یک اسکانس نو عیدی گرفتیم. از خوشحالی تا صبح چند بار از خواب بیدار شدم و نگاهش کردم. حس قشنگی بود. هنوز هم وقتی اسکانس نو می بینم یاد اولین عیدی‌ام می افتم!

ضبط برنامه ادامه پیدا می کند. بخش‌های نمایشی و برخی بخش‌های موزیکال زنده در سالن اجرا و ضبط می شود. جمعیت حاضر در سالن نسبت به هر بخش ابراز احساسات می کنند. مهران امامیه به مخاطبان پرشور حاضر در استودیو می گوید: با این انرژی که از شما می گیریم، خستگی معنایی ندارد.

در طول ضبط برنامه، وقتی اعلام می شود چه بخشی اجرا می شود، مردم شعرهای مربوط به آن بخش را می خوانند. میثم عبدی (آقای مثلا) در بخشی از برنامه می گوید: مثلا عیده! با ۵۰۳ هزار تومان چی بخرم؟ گروه موسیقی برنامه این شعر را می خواند: باز دارن عیدی می دن، این جور پول‌ها با هر پولی فرق داره، عیدی اگر بیشتر بشه به آدم جون می ده، من عیدی دوست دارم پول با حالیه!

حدود ساعت ۶ بعد از ظهر است. دکتر حمید شیخ محمدی، مدیر رادیو ایران به اتفاق جمعی از مدیران رادیو ایران به تالار ایوان شمس می آیند. دکتر شیخ محمدی در سخنان کوتاهی از زحمات تیم برنامه‌ساز جمعه ایرانی تشکر و قدردانی می کند و می گوید: این برنامه یکی از مهم‌ترین و با سابقه‌ترین برنامه‌های رادیو ایران است. بسیاری از مردم با این برنامه خاطرات خوشی دارند. خوشبختانه جمعه ایرانی توانسته با قدمتی طولانی مخاطبان خود را حفظ کند. رمز ماندگاری این برنامه، مردمی بودن آن است؛ زیرا از جنس مردم است و امروز به یکی از محبوب‌ترین برنامه‌های رادیو ایران تبدیل شده است. مدیر رادیو ایران در پایان حضورش در پشت



دکتر شیخ محمدی

جمشید مقدم می گوید: با خنده روی غم را کم کنیم و نسیم رفیعی چنین می گوید: سوار بر اسب مراد، ان شاءالله به همه آرزوهایتان در سال ۹۳ برسید.  
مونیکا جهانیان، فریبا طاهری، حمید پارسی، احسان کرمی، منفرد، بهنام قربانی، الهه پرسون، نازنین مهیمی، برومند، بهروز خوش فطرت، رشید سنایی، گروه نویسندگان، گروه موسیقی و تمام کسانی که به عشق مردم با برنامه جمعه ایرانی همکاری می کنند، با جملات زیبایی عید را تبریک می گویند. حاضران در سالن ضمن تشویق و ابراز علاقه نسبت به این عزیزان، یک صدا سعید توکل را صدا می کنند. او می گوید: من بهتر است در پایان برنامه صحبت کنم. مخاطبان برنامه که حدود ۳۵۰ نفر هستند، می گویند: حالا، حالا! سعید توکل با استقبال مردم روی سن می آید و می گوید: نو بهار است در آن گوش که خوش دل باشی! همه ما به عشق شما اینجا هستیم و بهترین‌ها را برای شما خوبان آرزو می کنم.

الهام صفوی زاده، مجری برنامه می گوید: اولین بار است که بعد از ۲۷ سال تهیه کننده برنامه حاضر شده در برنامه صحبت کند و مهران امامیه ادامه می دهد: چقدر شما برایش عزیز هستید که قبول کرد روی سن

# صداهایی که در نوروز ۹۳ به گوش بچه‌ها می‌رسد

## گزارش دوبله ۴ انیمیشن جدید تلویزیون در نوروز ۹۳

غزاله باران

وارد ساختمان دوبله کنار ساختمان ۱۳ طبقه تولید می‌شوم. از تابلویی که نصب شده متوجه می‌شوم امور دوبله کجاست. در دو راهروی باریک و ممتد، پنج استودیو و اتاق رژی دوبله سایت جام‌جم، همچنین دو اتاق میکس و صدا وجود دارد.

همان ابتدای کار مجتبی نقی‌ئی، مدیر تولید دوبلاژ از کارهای جدید برای ایام عید خبر می‌دهد و می‌گوید: با توجه به ظرفیت مجموعه (از صدابردار گرفته تا باندساز) و دستوری که مهندس شعبان‌پور، رئیس مرکز تولید و فنی سیما مبنی بر انجام دادن کارها با کیفیت بالا داده بودند، هشت کار شاخص شبکه‌ها انتخاب شد.

وی ادامه می‌دهد: «سریع و خشن» یکی از آثاری است که دیدنش برای هر بیننده جذاب است. ضمن این‌که کودکان و خردسالان، کودکان و نوجوانان نیز می‌توانند در ایام عید انیمیشن «یوگی»، «خرس‌های جنگل»، «ماجراهای اندی و کیپ» و «قهرمانان تینس» را ببینند.

### استودیوی ۱۰۳ و «ماجراهای اندی و کیپ»

پس از گرفتن اجازه وارد استودیو می‌شوم. پشت نیمکتی چند صدلی عسلی وجود دارد و دو میکروفن که هر شخصیتی پشت آن می‌نشیند و از طریق مانیتوری که روبه‌رویشان وجود دارد، چند لحظه قبل را می‌بینند. صداها خیلی به کاراکترها نزدیک است. بیشتر دوبلورها هدفون به گوش هستند تا صدای اتاق فرمان را بشنوند. برخلاف استودیوهای رادیویی که شخصیت به اتاق فرمان نگاه می‌کند، در اینجا به تکه‌های فیلمی که از مانیتور روبه‌رویشان نمایش داده می‌شود، نگاه می‌کند چون اتاق فرمان پشت او واقع شده است.

بهرروز علیمحمدی وقتی مانیتور را می‌بیند می‌گوید: «سلام من اندی هستم و به‌عنوان نگهبان پارک حیوانات پیکلز کار می‌کنم. من باید مراقب حیوانات باشم و هر چی که لازم دارم رو برایشون آماده کنم و مراقب باشم گرسنه نمونم مثل این میمون‌های برفی!»

پس از این‌که اندی می‌گوید: «اوه بخشیدید بچه‌ها رئیس صدام می‌کنه... سلام آقای پیکلز، اندی هستم تمام.»

علی‌اصغر رضایی‌نیک، دوبلور نقش آقای پیکلز می‌گوید: «اندی من داشتم کارم رو انجام می‌دادم که یهو ظرف غذای سگ‌های آبی رو ریختم. می‌تونم برایشون یه مقدار صدف آماده کنی. که علیمحمدی می‌گه: «عمو اصغر من این متن را کم می‌کنم شما سنگین‌تر می‌گی.» از اتاق رژی مدیر دوبلاژ می‌خواهد که یک‌بار دیگه متن تکرار شود.

بهرروز علیمحمدی، گوینده نقش اندی می‌گوید: اندی مسئول پارک است. با حیوانات هم صحبت می‌کند و از قول آنها نیز حرف می‌زند. اگر کسی دیگر می‌خواست این نقش را بازی کند خوب از آب در نمی‌آمد. بنابراین سعی کردم خودم مسئولیت کار را به عهده بگیرم و حرف بزنم. ماجرای اندی و کیپ، آموزش تغذیه و استراحت



می‌دونستم... است. مردی که سال‌هاست در عرصه گویندگی رادیو و صدایبستگی دوبله فعالیت دارد؛ خیلی اهل گفت‌وگو نیست و به قول خودش گنم‌مان واقع شده است.

او اکبر منائی؛ دوبلور پیشکسوتی است که به گفته خودش همیشه برای دلش کار کرده، اما متأسفانه هیچ‌گاه اسمی از او برده نشده است.

منائی اکنون در آستانه هشتاد سالگی به سر می‌برد. طی این سال‌ها هیچ‌وقت در حاشیه نبوده و با این‌که اهل گفت‌وگو نیست، اما معتقد است گاهی اوقات باید به خاطر بعضی اتفاقات ناخوشایند حرف زد.

منائی در بیش از ۲۰ هزار فیلم، سریال و کارتون گویندگی کرده است. او اولین کتاب گویندگی در صداوسیما و همچنین اولین کتاب دوبله تاریخ ایران را نوشته است و قصد دارد خاطرات خود را منتشر کند.



اکبر منائی ابتدا از سریال خاطره‌انگیز پورآرو صحبت می‌کند و می‌گوید: پورآرو شاید از نظر خیلی‌ها زیباترین سریال بعد از انقلاب باشد. قصه‌های بی‌نظیری داشت و کاری غنی و قوی محسوب می‌شد. این مجموعه که اولین‌بار حدود ۱۹ سال پیش از تلویزیون پخش شد، قصه‌های کاملاً شناخته‌شده‌ای داشت؛ بویژه از لحاظ کارآگاهی که به نظر من بی‌نظیر است و بعضی موضوعاتش برای بیننده واقعا مثل درس است.

منائی که در برنامه‌های راه‌شعب، زن و زندگی، برنامه‌های بامدادی، فکاهی و صبح جمعه با مرحوم نوذری گویندگی کرده است، ادامه می‌دهد: خیلی‌ها از من سراغ می‌گیرند و می‌گویند چرا دیده نمی‌شوی. ترجیح می‌دهم سکوت کنم، سکوت بهترین راه است.

من در مستندخوانی سبک جدیدی ارائه کردم و در همه برنامه‌های «آتن برو» مستندساز بزرگ دنیا حرف زده‌ام، اما از شخص دیگری قدرندانی نشد. امسال هم همین قضیه تکرار شد. من به‌دنبال جایزه نیستم چون با کار کردن دستمزد می‌گیرم.

محمدرضا ثابتی، مسئول هماهنگی امور گویندگان می‌گوید: تمام جاهایی که کار تولیدی دارند، ارتباطی با واحد دوبلاژ دارند. بعد از سفارش و ثبت اطلاعات اثر به بخش ترجمه تحویل داده می‌شود. کارشناسان این



می‌گوید: در فیلم «حاشیه اقیانوس آرام» که قرار است در ایام عید پخش شود، نقش رانی را بازی می‌کنم. بازیگر کارتون خالریزه و قاشق سحرآمیز همچنین یان در «پستیچی» ادامه می‌دهد: از سوی مرحوم پدرم که از گویندگان و مدیران دوبلاژ بودند با این حرفه آشنا شدم.

### در اولین تجربه موفق بودم

نرگس فولادوند که با دوبله نقش سوباسا به شهرت رسید، تاکنون در آثار مختلفی نقش‌گویی کرده است و در بیشتر آنها توانسته تا حد زیادی موفق عمل کند. او متولد سال ۱۳۴۵ در تهران و فارغ‌التحصیل رشته ادبیات



فارسی است. فولادوند دوبله را سال ۷۶ به‌طور حرفه‌ای آغاز کرد. او در آثاری نظیر امپراتور بادها، بازگشت به حیفا، گمگشته، گروه پلیس، پرستاران و... به‌عنوان گوینده حضور داشته است.

مجموعه کارتون «بی‌خانمان» اولین تجربه جدی کاری بود؛ به همین خاطر صدایم در آن مقطع پختگی امروز را نداشت، اما با وجود جوانی و کم‌تجربگی، تمام تلاشم را به کار بستم تا کاری که به من محول شده به نحو احسن انجام دهم. در هر حال، گویندگی به جای نقش اول یک سریال کار راحتی نیست، ولی خب خوشحالم که توانستم در اولین تجربه‌ام موفق عمل کنم. خوشبختانه سریال «بی‌خانمان» و شخصیت پرین در زمان خودش با استقبال خوب مخاطبان مواجه شد.

### صدایی خاطره‌انگیز

صدایش یادآور سریال‌ها و کارتون‌های خاطره‌انگیزی چون «پورآرو»، «زبل‌خان» و گلمپ «کالیور» (من

واحد بعد از نگاه کردن فیلم براساس محتوا و سنگینی و معیارهای موجود به یکی از بچه‌های ترجمه، کار را تحویل می‌دهند. سپس کار تحویل یکی از مدیران دوبلاژ شده و سینک زده می‌شود (تنظیم زبان فارسی روی زبان اصلی فیلم را سینک زدن می‌گویند تا مرحله لب‌خوانی بدرستی صورت بگیرد). کار تحویل باز نویسی شده، تکه‌ها جدا شده و مدیر دوبلاژ براساس پرسونال و شخصیت‌های فیلم، گویندگان را برای روز مشخصی دعوت می‌کند.

محمد رضا آقایی، مسئول صدا برداری بخش کار را برای یکی از صدابرداران آفیش کرده و همزمان نسخه‌ای از فیلم جهت باندا سازی کپی زده و به باند ساز تحویل داده می‌شود.

بعد از دوبله، فیلم از سوی بخش فنی مراحل کچر و اکسپورت را طی کرده و از سوی آرشیو که محل ورود سفارش بود، به سفارش‌دهنده تحویل می‌شود.

## باید از کجا شروع کرد؟

کسانی که به کار دوبله علاقه دارند، باید از سن کم، کار را شروع کنند، البته بعد از دوران دانشجویی و گرفتن مدارک کارشناسی مرتبط با هنرهای نمایشی یا ادبیات.

محمد یوسف لیوانی، مسئول هماهنگی سرپرستان گفتار فیلم معتقد است: پس از تست صدا علاقه‌مندان برای آزمون دیگری به کارشناسان معرفی می‌شوند. قبول شدگان در دوره‌های کارورزی و کارگاه‌های آموزشی که به صورت رایگان است، شرکت می‌کنند. بعد از طی گذراندن دو سال در این کلاس‌ها به عنوان کارآموز به مدیران گویندگان معرفی می‌شوند. این ابتدای کار است. گویندگان به صورت پروژه‌ای و برنامه‌های جذب امور دوبلاژ می‌شوند و رابطه استخدامی با سازمان ندارند. براساس نوع برنامه سینمایی مستند، انیمیشن، داستان و دقیق برنامه و همین‌طور درجه گویندگی برآورد به دوستان پرداخت می‌شود.



او در ادامه می‌گوید: به همه علاقه‌مندان دوبله پیشنهاد می‌کنم روی دستمزد و حق‌الزحمه‌ای که در دو تا پنج سال اول کاری خود دریافت می‌کنند، حساب باز نکنند و صبوری پیشه کنند. ان‌شاءالله در آینده کاری می‌توانند روی مبالغ دریافتی خود حساب باز کنند. با توجه به سختی کار، زمانی که حرف دوره‌های کارآموزی و آموزشی بشود، همچنین صبر و حوصله‌ای که برای خود فراگیر لازم است، همه کارآموزان را به پشتکار و حوصله دعوت می‌کنیم، زیرا گویندگان ساعت‌های متمادی را در اتاق انتظار و سالن‌های دوبله صرف می‌کنند و گاه تا ساعت‌های پایانی شب در انتظار دعوت مدیر دوبلاژ و نوبت گویندگی خود به انتظار می‌ایستند. همین‌طور روزهای تعطیل و ایام عید را هم به دوبله، فراگیری و هماهنگی با دیگر گویندگان اختصاص می‌دهند. در حالی که طی سال‌های ابتدایی امکان آموزش مراحل تخصصی‌تر حرفه دوبله وجود ندارد و خود با استفاده از هوش و استعداد شخصی به شکلی تجربی از گویندگان پیشکسوت این کار استفاده کرده و تکنیک‌های فنی این کار را در حین دوبله بیاموزند.



گپ

# دوبله غیر کلیشه‌ای یک شاهکار سینمایی

گفت و گو با امیر محمد صمصامی، مدیر دوبلاژ «۱۲ سال بردگی» که نوروز ۹۳ از تلویزیون پخش می‌شود

تمام کشورها، اشکال جدید از آن دیده می‌شود. این استعمار و استعمار هنوز هست. خود استیو مک کوئین، کارگردان این فیلم هم سیاهپوست است که همین مساله نشان می‌دهد برده‌داری، دغدغه او بوده است.

**سکانس مورد علاقه شما در این فیلم کدام است؟**  
در یک سکانس، سالامون با همسرش وارد مغازه‌ای می‌شوند تا ساک دستی بخرند. یک برده سیاهپوست هم با اربابش در مغازه است و به سالامون جوری نگاه می‌کند که انگار تعجب می‌کند او و همسرش آزاد هستند. در همین زمان یک مرد سفیدپوست می‌آید و او را می‌برد. مشخص می‌شود این مرد، برده‌اش بوده. این جزو سکانس‌های قشنگ فیلم است. در یک سکانس هم پتسی می‌گوید من دیگر نمی‌توانم تحمل کنم و از سالامون می‌خواهد او را بکشد. سکانس آخر هم بسیار زیبا است؛ سکانسی که سالامون - پدر خانواده - به خانه برمی‌گردد و می‌گوید بخشید. این پدری که برگشته، پدر اولیه نیست، جلوی خانواده‌اش هم سرش را پایین می‌اندازد و گریه می‌کند. همه اینها یعنی ۱۲ سال بردگی روی او تاثیر گذاشته است. اگر قرار بود ادامه داستان زندگی این فرد ساخته شود، حتما در بقیه زندگی‌اش یک برده نوین بود.

## دوبلورهای «۱۲ سال بردگی» را بشناسیم

در فیلم «۱۲ سال بردگی»، منوچهر زنده‌دل به جای سالامون - شخصیت اصلی مرد - و مریم شیرزاد به جای پتسی گویندگی کرده است. دیگر دوبلورهای این فیلم ۱۳۴ دقیقه‌ای عبارتند از: سعید مظفری (براد بیت / باس)، ژرژ پطروس (مایکل فاسبندر / ادوین)، کسری کیانی (فاکس)، سعید مقدم منش (بران)، زهره شکوفنده (شاو)، همت مومی وند (مرداک)، ناصر نظامی (قاضی)، رضا آفتابی (آقای فورد)، نرگس فولادوند (خانم فورد)، الیزا اورامی (خانم اپس)، علیرضا باشکندی (کلمنتس)، حسین خدادادیگی (مون)، شروین قطعه‌ای (جان)، فرانک رفیعی طاری (الیزا)، نیلوفر حدادی (مارگارت)، مریم معینیان (آن)، ابوالقاسم محمد طاهر (پارکر)، محمدعلی دیباج، علی منصوری راد، خسرو شمشیرگران، رهبر نوربخش و پرویز بهرام.

وقتی مقایسه صورت می‌گیرد ما باید حواسمان را جمع کنیم. به همین دلیل است که دوبله کارهای مطرح، سخت‌تر می‌شود. مردم می‌بینند و می‌گویند دوبله خوب بود اما داستان کمی فرق داشت.

اگر مواردی اینچنینی پیش می‌آید به دوبله ربطی ندارد. ما تمام تلاشمان را می‌کنیم که کار خوب درآید. بعضی مواقع، کار را به دلیل ملاحظاتی دوبله و پخش نمی‌کنیم اما وقتی تصمیم می‌گیریم فیلمی را پخش کنیم یعنی می‌خواهیم پیام کارگردان را به مخاطب منتقل کنیم یا این که سوژه را قبول داریم.

در این مورد، سوژه، برده‌داری است. برده‌داری هنوز در دنیا جاری است. این پیام در فیلم داده می‌شود. ولی ما روی این زوم می‌کنیم که فیلم اسکار گرفته است؛ ممکن است یک فیلم، اسکار هم نگیرد، ولی باید حواسمان باشد تا کارمان را خوب انجام دهیم.

### این حاشیه‌ها روی کار شما تاثیر می‌گذارد؟

بله، اما ما سعی کردیم حس و حال‌ها را بخوبی منتقل کنیم و طوری نباشد که بگویند بچه‌های دوبلور، داستان را تغییر می‌دهند. نه، این طور نیست. ما حتی سعی کردیم تا جایی که امکان دارد منطبق با داستان پیش برویم و حس و حال صحنه‌ها را منتقل کنیم. با وجود این ملاحظاتی در داستان وجود دارد که به ما مربوط نمی‌شود. ما باید سعی کنیم پیام را در دیالوگ‌ها منتقل کنیم تا مخاطب هم به ما اعتماد کند و نخواهد نسخه اصلی را ببیند.

**همه کار دوبله در یک روز انجام شد؛ این کار برای گروه دوبله سخت نبود؟**

نه، همه بچه‌هایی که به کار دعوت شده‌اند حرفه‌ای هستند و با این که یک روز جمعه، فیلم را دوبله کردیم تمام تلاششان را کردند تا کار خوب دربیاید. البته دوبله، سکانس به سکانس انجام می‌شد.

در این کار، هم بچه‌های جدید و هم دوبلورهای حرفه‌ای به کار دعوت شدند. البته مهم این است که وقتی مردم دوبله فیلم را دیدند راضی باشند و نگویند تغییرات زیادی در فیلم داده شده است.

**مهم‌ترین ویژگی ۱۲ سال بردگی از نظر شما چیست؟**

ویژگی این کار، ویژگی بشر است، یعنی می‌تواند همون خود را در حد برده پایین بیاورد و از او به عنوان حیوان استفاده کند. در ضمن یادمان باشد برده‌داری همچنان وجود دارد و در

### رضوان اناری

«۱۲ سال بردگی» فیلمی است که در اسکار امسال خوش درخشید و برنده اسکار بهترین فیلم را به استیو مک کوئین داد. ۱۲ سال بردگی در بقیه جشنواره‌های سینمایی امسال هم مورد توجه منتقدان و مخاطبان قرار گرفت. این فیلم با نگاهی انسانی، مقوله برده‌داری را نقد کرده و به چالش کشیده است. ۱۲ سال بردگی قرار است نوروز امسال از شبکه یک سیما روی آنتن برود. مسئولیت دوبله این فیلم به عهده امیر محمد صمصامی است و گویندگان مطرحی در این طرح همکاری داشته‌اند.

**دوبله فیلم ۱۲ سال بردگی را چه زمانی شروع کردید؟**

از مدتی قبل به ما گفته بودند قرار است این فیلم با حساسیت‌هایی که ما داریم دوبله شود و چون زمان فشرده‌ای در اختیار داشتیم و طبق معمول همه کارها به لحظه آخر واگذار می‌شود، دوبله این کار روز جمعه، شانزدهم اسفند با حضور بیش از ۳۰ گوینده آغاز شد تا این فیلم به پخش در نوروز سال ۹۳ برسد.

**از ویژگی‌های دوبله این کار بگویید و این که چه تمهیداتی برای جذاب شدن دوبله به کار بردید؟**

سعی کردیم دوبله، یکدست و خوب درآید از گوینده‌های متنوع هم استفاده کردیم؛ هم حرفه‌ای، هم قدیمی و هم جدید.

**برای انتخاب گوینده‌ها چه ملاحظاتی داشتید؟**

سعی کردیم تا جایی که می‌شود کلیشه‌ای کار نکنیم. یعنی این طور نبوده که اگر کسی معمولاً نقش‌های عصبی را می‌گوید در این کار هم همین اتفاق بیفتد.

**دوبله کارهای اسکاری حساسیت‌های بیشتری نسبت به فیلم‌های غیراسکاری دارد؟**

بله، تقریباً همه به این فیلم‌ها دسترسی دارند. مثلاً دسترسی به نسخه اصلی این فیلم خیلی راحت است. این همزمانی باعث می‌شود بین نسخه اصلی و دوبله‌شده مقایسه‌هایی صورت بگیرد.



جوهر و اساس گفت‌وگوی سینمایی رد و بدل شدن سریع گفتارهای کوتاه بین شخصیت‌های یک داستان است. گفتارهای طولانی با زیبایی‌شناسی در سینما در تضاد است. وقتی یک صفحه کامل گفت و گو می‌نویسیم به این معنی است که دوربین باید یک دقیقه روی چهره بازیگر بماند و او حرف بزند. این یک دقیقه زمان زیادی است وقتی بدانیم چشم بیننده در مدت زمان ده تا ۱۵ ثانیه هر آنچه را به لحاظ بصری گویا و با معنی باشد، می‌گیرد و از آن لحظه به بعد نما بی‌فایده می‌شود. وقتی چشم از دیدن چیزی خسته شود، پرده سینما یا قاب تلویزیون را رها می‌کند و در صورت به وجود آمدن این شرایط باید دانست فیلم سینمایی یا اثر تلویزیونی، بیننده خود را از دست داده است؛ البته می‌توان برای ایجاد تنوع در تصویر و جلوگیری از خستگی و دلزدگی بیننده، میان نطق‌های طولانی یک شخصیت به چهره شونده برش زد. اما این کار هم مشکلات تازه‌ای به‌وجود می‌آورد. از این رو وقتی منبع صدا در تصویر دیده نمی‌شود، امکان لب‌خوانی هم برای مخاطب وجود ندارد. از این رو ریتم سخن گفتن باید کندتر و شمرده‌تر باشد و تلفظ‌های دقیق‌تری در ادای کلمات صورت بگیرد، زیرا درک آنچه گفته می‌شود تا ۵۰ درصد یا بیشتر به دیدن گوینده بستگی دارد. از طرفی، وقتی شخصیت خارج از تصویر صحبت می‌کند، بیننده زیرمتن گوینده را از دست می‌دهد، اما همچنان زیرمتن شنونده را در اختیار دارد.

بنابراین در نگارش فیلمنامه‌هایی با گفتارهای طولانی باید بسیار عاقلانه و دقیق عمل کرد. البته اگر در بخشی از متن نیاز است تا یک شخصیت تمام حرف‌ها را بزند و دیگری صرفاً شنونده باشد، نوشتن گفتارهای طولانی ایراد نخواهد داشت. اما باید این را هم در نظر گرفت که در زندگی روزمره تک‌گویی موردی نادر است و زندگی بر پایه گفت‌وگو و کنش و واکنش بنا شده است. زندگی نوعی بداهه‌پردازی است صرف‌نظر از این که خود را به لحاظ ذهنی چقدر برای لحظات حساس آماده کرده‌ایم. پس با شکستن گفتارهای طولانی به الگوهای کنش و واکنشی که به رفتار گوینده شکل می‌دهند، می‌توان درک زیبایی‌شناسانه نویسنده از فیلم را ثابت کرد. از این رو حرف‌ها را می‌توان با واکنش‌های بی‌کلام که باعث می‌شود گوینده لحظه را تغییر دهد، خرد کرد.

از سویی، یک اصل مهم در فیلمنامه‌نویسی وجود دارد و بهترین توصیه برای نوشتن گفت‌وگوهای فیلم همان نوشتن است. بنابراین اگر در صحنه‌ای می‌توان با تصویر حرف زد، دیگر حتی به نوشتن یک سطر هم نیاز نیست. این اصل در فیلمنامه‌نویسی قانون «بازگشت‌های نزولی» نامیده می‌شود. یعنی هرچه گفت‌وگوی بیشتری نوشته شود از تاثیر گفت‌وگو کم خواهد شد. بنابراین اگر شخصیت‌های یک داستان دائم در حال صحبت کردن باشند، دیالوگ‌های خوب میان این سیل کلمات تاثیر خود را از دست خواهد داد. اما اگر تصویر در یک صحنه بر دیالوگ غلبه داشته باشد، بیان یک جمله از سوی شخصیتی از داستان خودنمایی می‌کند. استفاده از گفت‌وگو برای تنوع در چیزی که اساسا و در وهله اول تصویری است، بسیار تاثیرگذار و قدرتمند به نظر می‌رسد.

# تقابل نگاه‌نو و روایت کلیشه‌ای

نگاهی به ۲ فیلم تلویزیونی «عروسیخانه» و «جلباب» که از شبکه‌های سیما پخش شد



سیاوش طهمورث در نمايي از تله‌فیلم عروسیخانه

و بدبینی‌های پدر مدام آزار می‌بیند و برای هر پیشامد کوچک و کم ارزشی تحت بازخواست و گاه ضرب و شتم پدر قرار می‌گیرد.

همان‌طور که در خلاصه داستان مشهود است، جلاب داستان کلیشه‌هاست. کلیشه همیشینی ثروت و کفر، فقر و ایمان. آدم‌های این فیلم یا سیاه هستند یا سفید. یا خوب مطلق یا بد مطلق. شخصیت‌ها در جلاب پرداخت نمی‌شوند و علت حضور تک بعدی آنها همین شخصیت‌پردازی ضعیف است. نه دلیل آنچه اکنون هستند در متن مشخص می‌شود و نه دورنمایی از آنچه پیش از این بوده‌اند یا در آینده خواهند شد، برای مخاطب نمایان می‌شود. از طرفی، نویسنده برای فرار از کلیشه‌های محتوایی، شخصیت پدر نرگس را بسیار سختگیر، بدبین و رعب‌آور معرفی می‌کند، اما دلیل این رفتارهای زنده او با زن و همسر نجیب و مهرپناش در فیلم واضح نیست. البته ممکن است چنین خانواده‌هایی در زندگی واقعی و جامعه ما به کرات وجود داشته باشند، اما در یک اثر دراماتیک نمی‌توان واقعیت را بدون اعمال تغییر و اضافاتی همچون علت و معلول و کاشت‌های داستانی بر اثر نهایی جا داد.

البته یک ایراد جامعه‌شناختی هم در سراسر این فیلم ذهن را به چالش می‌کشد که از اعمال نظر مستقیم نویسنده یا کارگردان در فیلمنامه نشان دارد. جلاب که از ترکیب جل و باب به دست آمده است، پوششی را نمی‌کند که باب شده است در حالی که ناباب است. عنوان بندی فیلم بوضوح بار قضاوت دارد و این به معنی توهین به آن دسته از هموطنانی است که پوششی غیر از چادر استفاده می‌کنند. از طرفی فضایی که در فیلم می‌بینیم گویای این مساله است که در جامعه ما استفاده از چادر و انتخاب آن به‌عنوان حجاب اصلی دارای ممنوعیت است و برای نگه داشتن آن باید مشقت و سختی‌های زیادی را متحمل شد! در حالی که همچنان چادر اصلی‌ترین و مقبول‌ترین حجاب جامعه ماست و در ساختار اجتماعی ما از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است. در نهایت نویسنده و کارگردان به جای این که زیرلایه‌های اعتقادی یا تربیتی را با داستانی جذاب پوشش دهند، زیرلایه‌ها را در سطحی‌ترین شکل ممکن در لایه اولیه فیلم و به‌عنوان سوژه داستان ساز به کار برده‌اند و حاصل آن این است که در این فیلم نه درام جایگاه خود را دارد و نه زیرلایه‌ها تامل برانگیز است. در نهایت، همه خطاهایی که به اختصار توضیح داده شد، به یک نتیجه منتهی شده است و آن نابودی دو عنصر مهم باورپذیری و تاثیرگذاری فیلم برای مخاطب است.

رسوم هستند و از ادغام همین مناسبات ضد و نقیض و البته همجنس با رویکردهای متفاوت شخصیت‌ها، فیلم ریتم تند و مناسبی یافته است و این ریتم در تصویربرداری، میزاسن‌ها و بازی روان بازیگرها و در رنگ و بافت روستا تعمیم می‌یابد. شاید تنها ایرادی که به این فیلم وارد است، استفاده از موسیقی‌های انتخابی است که بارها در لحظات و موقعیت‌های مشابه از آنها استفاده شده است. اما در مجموع فیلم خوب، خوش ساخت، ارزشمند و سرگرم‌کننده‌ای است که توانسته همه انتظاراتی را که بینندگان تلویزیون از فیلم‌های تلویزیونی آن هم در یک روز تعطیل انتظار دارند، برآورده کند.

اما فیلم تلویزیونی «جلباب» به کارگردانی مجید کاشی‌فروشان از فیلم‌هایی بود که اسفند ماه روی آنتن شبکه شما رفت و برعکس نگاه پویا و باطراوت عروسیخانه، سرشار از نگاه تکراری و کلیشه‌ای بود.

جلباب داستان دو دختر به نام میترا و نرگس با دو نوع پوشش متفاوت و به همان نسبت با دو رفتار و شیوه زندگی متفاوت را به تصویر می‌کشد. میترا از خانواده مرفه با تعهدات دینی ضعیف‌تر است که پدر ندارد و مادرش کمترین سختگیری در مورد او اعمال نمی‌کند. میترا از طریق پسری که به او علاقه‌مند است به نام کامران به مواد مخدر اعتیاد پیدا می‌کند. برادرش که خارج از کشور مشغول تحصیل بوده، پس از بازگشت به ایران در همان دانشگاهی که میترا درس می‌خواند، مشغول به تدریس می‌شود و حجاب ظاهری و درونی نرگس او را جذب می‌کند. از طرفی کم‌کم به اعتیاد میترا شک می‌برد و بیشتر او را تحت نظر می‌گیرد. اما نرگس که دختر نجیب و سر به راهی است، با سختگیری

فیلم تلویزیونی «عروسیخانه» به کارگردانی محسن توکلی و تهیه‌کنندگی عباس معروفی از جمله فیلم‌هایی بود که هفته گذشته از شبکه یک سیما روی آنتن رفت.

داستان این فیلم با بازی سیاوش طهمورث، میرطاهر مظلومی، افسانه ناصری، فاطمه طاهری و حشمت آرمیده که در یک روستا می‌گذرد، تقابل سنت‌هاست. در این فیلم می‌بینیم همزمان با مراسم عروسی محمد، تک پسر خانواده - که عازم خدمت سربازی است - یکی از بزرگان روستا فوت می‌کند و مراسم عروسی معلق می‌ماند. از طرفی با مخالفت برادر عروس مبنی بر این که اگر خواهرش فروغ قبل از خدمت عروسی محمد به عقد او در نیاید، نامزدی را بر هم می‌زند و او را همراه خانواده خود به شهر می‌برد اضطرار عروسی شدت می‌گیرد. از طرف دیگر پسر پیرمرد مرحوم برای حفظ حرمت پدرش حاضر نیست به آنها اجازه برگزاری مراسم عروسی بدهد و تهدید می‌کند اگر عروسی به هر شکل و با هر کیفیتی راه بیفتد، آن را به عزا تبدیل خواهد کرد. اینجاست که بزرگ‌ترها به فکر چاره می‌افتند و...

در این فیلم، تک تک آدم‌ها و موقعیت آنها تشریح می‌شود و با موقعیت اصلی فیلم گره می‌خورد. هر رفتار یا عملی که از هر کدام از آنها سر بزند، قطعا عواقبی همراه خواهد داشت که می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد. هیچ کدام از طرفین و عمل و عکس‌العمل آنها قضاوت نمی‌شود. هر کدام در جایگاه خود دست به کاری می‌زنند که از آنها با توجه به موقعیت انتظار می‌رود. این فیلم اگر چه قضاوت نمی‌کند، اما پیشنهاد می‌دهد.

عروسیخانه پر از زندگی و جریان است و این طراوت و پویایی هم در فیلمنامه رقم خورده است، هم در ساختار و فرم آن. دوربین حتی در موقعیت‌ها و دیالوگ‌های دونفره نمی‌ایستد و مدام در حرکت است. از نمای مدیوم به اکستریم لانگ‌شات آن نما حرکت می‌کند تا ابتدا سطح اولیه چالش و در ادامه ابعاد این چالش را به تصویر بکشد. نمای آغازین این فیلم با دو شخص موتورسوار که کنار برادر عروس ایستاده‌اند و در ترک موتور خود دو گوسفند دارند، نمایش داده می‌شود؛ گوسفندانی که قرار است قربانی عروسی باشند و در ادامه ممکن است قربانی مرده شوند. این دو جریان که پا به پای هم پیش می‌روند و در کلیت فیلم به انواع مختلف دیده می‌شود، به لحن محکم و قدرتمندی برای عروسیخانه تبدیل شده است. به عنوان مثال دو سویی عروسی و عزا باز در درون خود به دو سوی مخالف و موافق تبدیل می‌شود. خاتون، همسر مرحوم، موافق برگزاری عروسی پسر حاج محمود است و پسرش مخالف این جریان. از طرفی در سوی دیگر که عروسی است خانواده عروس مخالف به هم خوردن عروسی و خانواده داماد موافق با اجرای رسم و



نمایی از تله‌فیلم جلاب



چند سکانس در پشت صحنه برنامه «سه ستاره»

# همراه با ستاره‌های جلو و پشت دوربین

مانده میرفندرسکی

من هم پس از دقایقی طبقه دوم را ترک می‌کنم و خودم را قبل از این که ضبط برنامه شروع شود، به دکور اصلی می‌رسانم. گروه تدارکات چند دقیقه پیش از شروع برنامه، زمین استودیو را پاکیزه می‌کنند تا جای کفش‌های مهمانان قبلی روی زمین باقی نمانده باشد و در تصویر به چشم نیاید. یک نفر هم با دستمالی که در دست دارد، پنج ضلع ستاره بزرگ دکور را تمیز می‌کند.

محمدرضا حسینیان از احسان علیخانی که در سری برنامه‌های سه ستاره قبل از آخرین برنامه (تحويل سال ۹۳) فقط به عنوان تهیه‌کننده فعالیت دارد، درباره بخش‌های اول برنامه می‌پرسد. گروه صدا جایی روبه‌روی دکور ستاره بزرگ نشسته و مشغول به کار است. دو دقیقه پیش از آغاز، مدیر صحنه با اعلام زمان باقیمانده، گروه را باخبر می‌کند. در همین هنگام تمام چراغ‌های صحنه خاموش می‌شود و دکور در تاریکی مطلق فرو می‌رود. برنامه ساعت ۲۰ و ۴۵ دقیقه روی آنتن می‌رود و مدیر صحنه با اشاره به حسینیان می‌گوید با کدام دوربین صحبت کند. او ابتدای برنامه، از مخاطبان بی‌شمار شبکه سه به‌عنوان ستاره‌هایی صحبت می‌کند که کنار هنرمندان و سازندگان آثار دو دهه در آسمان این شبکه درخشیده‌اند.

او در ادامه درباره نظرسنجی برنامه سه ستاره از مردم در حوزه‌های مختلف (مجرى غیرورزشی، مجری و گزارشگر ورزشی، بازیگر مرد، بازیگر زن، سریال، برنامه تلویزیونی، تیتراژ و موسیقی) توضیحی می‌دهد و می‌گوید: در این نظرسنجی علاوه بر هنرمندان تلویزیونی ۵۰ داور صاحب‌نظر در حوزه رسانه نیز شرکت می‌کنند تا آثار و برنامه‌های شبکه سه سیما را در ۲۰ سال اخیر بررسی کنند.

حسینیان می‌گوید: برگزیدگان نهایی مردم و داوران در برنامه تحويل سال سه ستاره معرفی و به‌عنوان مهمان نوروزی در این استودیو حاضر خواهند شد.

\*\*\*

امشب، شب پنجم برنامه است و قرار است با حضور چند نفر از بازیگران مرد در سریال‌های شبکه سه در

را درون خود بیاورد و آن را در قالب یک شخصیت تازه به مخاطب ارائه کند.

پس از صحبت‌های مهدی سلطانی به این دلیل که در استودیو نمی‌توان براحته برنامه را دید، به طبقه بالا می‌روم تا از تلویزیون اتاق مهمانان در جریان ادامه برنامه قرار بگیرم. داخل اتاق هومن برق‌نورد، آرش مجیدی و عباس غزالی نشسته‌اند و علاوه بر این که این قسمت از برنامه را دنبال می‌کنند، درباره سریال‌ها و برنامه‌های شبکه سه باهم صحبت می‌کنند. بعد از چند دقیقه، مسئول هماهنگی مهمانان گروه، به طبقه بالا می‌آید و برق‌نورد، مجیدی و غزالی را همراه خود به طبقه پایین می‌برد. من هم همراه آنها به استودیو برمی‌گردم. احسان علیخانی بعد از قرار گرفتن هر کدام از مهمانان روی صندلی با آنها صحبت می‌کند.

علیخانی می‌گوید: بچه‌ها استودیو خیلی شلوغ است، لطفا سکوت را رعایت کنید! در ادامه، مدیر صحنه زمان باقیمانده به آنتن زنده را اعلام می‌کند. دوربین که مقابل مهمانان قرار می‌گیرد، دوباره به طبقه بالا می‌روم تا این بار برنامه را در سکوت مطلق تماشا کنم.

آرش مجیدی، بازیگر سریال «ارمغان تاریکی» در این بخش می‌گوید: شبکه سه از همان ابتدای تاسیس رنگ و نوری داشت که برای مخاطبان جذاب بود. من و دوستانم علاوه بر سریال‌ها، گزارش‌های فوتبالی که از این شبکه پخش می‌شد، می‌دیدیم و الان هم همین‌طور است. در ادامه صحبت‌های مجیدی، عباس غزالی بازیگر سریال «وضعیت سفید» می‌گوید: شبکه سه در بخش جذب مخاطب و قشر جوان توانست خیلی موفق عمل کند.

برق‌نورد ادامه می‌دهد: فوتبال اولین برنامه پرمخاطبی بود که از این شبکه توانست مخاطبان بسیاری را جذب خود کند. غزالی در ادامه درباره برنامه و نظرسنجی‌ها ادامه می‌دهد: در این جمع همه افراد پیشکسوت هستند و ما هم به عشق و علاقه همین عزیزان پا به این حیطه گذاشتیم، من، مهران مدیری و رضا عطاران را دوست دارم، اما بهتر است اینجا رای ندهم. به نظرم به منزل که بروم راحت‌تر و با فکر آزادتر می‌توانم به افراد موردعلاقه‌ام رای بدهم.

در ادامه آرش مجیدی درباره سریال ارمغان تاریکی به کارگردانی جلیل سامان می‌گوید: این سریال یکی از بهترین کارهایی است که تا به حال در آن بازی کرده‌ام. از عوامل گرفته تا نویسنده، کارگردان و بازیگران از بهترین‌ها بودند و معتقدم همه عوامل دست به دست هم دادند تا کار دیده شود.

غزالی اما سرانجام تاب نمی‌آورد و می‌افزاید: از میان این سریال‌ها وضعیت سفید را بسیار دوست دارم، چون توانست در اقبال عموم هم نمره قابل قبولی بگیرد. آرش مجیدی هم در انتهای صحبت‌های غزالی ادامه می‌دهد: من هم این سریال و بازی بی‌نظیر عباس را خیلی دوست داشتم، اتفاقاً همین چند روز پیش که همراه همسرم به شیراز رفته بودیم، از یکی از شبکه‌های استانی دیدم این سریال در حال پخش است و از بازی عباس بسیار لذت بردم.

\*\*\*

برنامه سه ستاره با شور و هیجان خاصی روی آنتن می‌رود، اما این شور، فقط در آنچه مردم آن را می‌بینند خلاصه نمی‌شود. پشت صحنه این برنامه که قسمت‌هایی آن در ساعات تحويل سال نو روی آنتن می‌رود، پر از حس و حال است. اهالی شبکه سه با آن که روزهای آخر سال ۹۲ را پشت سر می‌گذارند، اینجا حال و هوای دیگری دارند. ستاره‌های برنامه سه ستاره فقط جلوی دوربین خلاصه نمی‌شوند. این برنامه پر است از ستاره‌هایی که پشت دوربین مشغول به کارند. با یکی از عوامل فنی برنامه که صحبت می‌کنم، می‌گوید ما خستگی را بیرون استودیوی سه ستاره جا گذاشته‌ایم و آمده‌ایم! دیگری می‌گوید چون برنامه سه ستاره، بیست سالگی شبکه سه را جشن می‌گیرد، همه عواملمش با انرژی مضاعف پشت‌صحنه آن حاضر می‌شوند. آنچه از تلاش شبانه‌روزی دست‌اندرکاران سه ستاره به نظر می‌رسد، این است که کار در اینجا خستگی‌بردار نیست. با اتمام برنامه و خداحافظی با عوامل گروه با استقبال احسان علیخانی روبه‌رو می‌شوم. به او بابت تهیه این برنامه خسته‌ناشید می‌گویم و از ستاره‌های حاضر در جلو و پشت صحنه سه ستاره جدا می‌شوم.



استودیو، اسامی نامزدهای بازیگری مرد در این حوزه اعلام شود تا مخاطبان به آنها رای دهند. پیش از حضور مهمانان در استودیو، میان برنامه‌ای پخش می‌شود و اسامی نامزدها اعلام می‌شود. از میان این ستاره‌ها می‌توان به داریوش ارجمند، هومن برق‌نورد، آتیلا پسیانی، امین تارخ، شهاب‌حسینی، جواد رضویان، رضا عطاران، آرش مجیدی، مهران مدیری و مهدی هاشمی اشاره کرد که اسامی آنها همراه با عکس‌هایشان پخش می‌شود.

پس از میان برنامه مهدی سلطانی، بازیگر سریال «مادرانه» به کارگردانی جواد افشار به‌عنوان یکی از مهمانان امشب برنامه سه ستاره وارد استودیو می‌شود و بعد از سلام و احوالپرسی با مجری و بینندگان به سوالات حسینیان پاسخ می‌دهد.

او می‌گوید: بازیگری در تلویزیون به این سبب که مخاطبانش سنین و همه طیف‌ها را شامل می‌شود، هیجان‌انگیز است. او ادامه می‌دهد: برای بازی در هر رسانه‌ای یک مقدار انرژی باید صرف کنید، اما بازیگری در تلویزیون و مخاطب روبه‌روی آن، مثل رابطه یک میزبان و مهمان است. بازیگر به دلیل این که مهمان است، باید از مخاطبش خوب پذیرایی کند و برایش سنگ تمام بگذارد. وی که این روزها به گفته خودش در سریال «هفت سنگ» به کارگردانی علیرضا بذرافشان بازی می‌کند، در ادامه می‌گوید: برای ادامه روند سریال سازی در تلویزیون باید افراد کاربلد در این حیطه بیایند و ساختن آثار را دست بگیرند، چون قرار نیست آنتن این رسانه را پر کنیم. نابرده‌نچ، گنج میسر نمی‌شود. بازیگری فقط حرکت جلوی دوربین و حفظ دیالوگ نیست، بلکه یک جراحی است. به این صورت که بازیگر باید روح یک انسان دیگر

## بدون مطالعه نباید در رادیو شعرخوانی کرد

زهره زمانی

سرور پاک‌نشان، گوینده قدیمی رادیو در نوروز ۹۳ برنامه غزلنامه بهار را (که در گروه فرهنگ رادیو ایران تولید می‌شود) روی آنتن خواهد داشت. با پاک‌نشان به بهانه آغاز سال نو گفت‌وگو کرده‌ایم.

**اشعار را در ویژه‌برنامه‌های نوروزی با چه لحن و بیانی می‌خوانید که اینقدر جذاب به گوش مخاطب می‌رسد؟ چقدر شناخت از ادبیات برای موفقیت در این کار لازم است؟**

معمولا هر شعری لحن خاص خودش را دارد. غزل را یک نوعی باید خواند، اشعار حماسی را به یک شکل و قصیده را طور دیگر. به هر حال اینها متفاوت هستند و گوینده بایستی مطالعه داشته باشد و تشخیص بدهد لحنی که انتخاب می‌کند برای شعری که قرار است بخواند، چگونه باید باشد.

**تجربه شما در شعرخوانی به چه زمانی بر می‌گردد؟**

من فعالیت رادیویی‌ام را با شعرخوانی شروع کردم و پس از آن برای گویندگی در رادیو انتخاب شدم. حتما می‌دانید که قدیمی‌ها به شعر خیلی اهمیت می‌دادند و جامعه ما هم با شعر بیشتر از امروز مانوس بود. گوینده‌ای اگر توانایی خواندن شعر را نداشت، هرگز خودش مرتکب این اشتباه نمی‌شد که شعر بخواند.

**گویا از وضعیت امروز شعرخوانی در رادیو دل‌پری دارید؟**

راستش داغ من تازه شد! گاهی به افرادی بر می‌خورم که شعر می‌خوانند اما نباید این کار را انجام دهند و به نظر من این دست از همکارانم اشتباه می‌کنند. نه این که اصلا نباید این فرصت به آنها داده شود بلکه معتقدم که تا آنها توانایی خواندن شعر را به دست نیآورده‌اند، نباید وارد این حیطه شوند، چرا که به کارشان لطمه می‌خورد و سوابق کاری خودشان باطل می‌شود.



مشخصاتی از کسی که امتحان داده بود وجود نداشت فقط شماره داشت. در واقع داوران می‌دانستند این صدای چه کسی است که پخش می‌شود. البته از آنجا که من سابقه کاری داشتم و برادرم در رادیو بود، بیشتر رعایت این نکته را می‌کردند که مبادا این صحبت پیش بیاید که رابطه بازی شده است. من قسمتی از برنامه کاروان شعر و موسیقی را به همراه مطالب دیگری خواندم و یادم می‌آید که خانم عاطفی به برادرم گفته بودند آقای پاک‌نشان، خواهرتان قبول شد اما خودش قبول شد و ما قبولش نکردیم! یعنی گفته بودند که کارم خوب بوده و توانش را داشته‌ام. بعد از آن امتحان دیگری را گذراندم که بین ۱۰۰ نفر ۵ نفر را انتخاب کرده بودند و برای اینکه امتحان نهایی را بگیرند، باز بین آن ۵ نفر، من را انتخاب کردند با شعری از شاهنامه. آن زمان به شکل امروز نبود که یک ورقه بدهند و بگویند این را بخوان! من در مرحله نهایی در یک استودیو نشستم و ورقه‌ای را آوردند از برنامه‌ای که عنوانش به سوی سیمرغ بود. شادروان سجادی به من گفت یک مقدار از خودت حرف بزن، من هم گفتم که چه کسی هستم و کجا کار می‌کنم. وقتی از استودیو خارج شدم، از برخی رفتار و صحبت‌ها متوجه شدم که در آزمون نهایی قبول شده‌ام.

**به نظر شما سفره هفت سین و استقبال از نوروز چه تاثیری بر روح و روان خانواده دارد؟**

دوست دارم سفره هفت سین در منزل انداخته شود و این فرهنگ کمرنگ نشود. بچه‌های ما باید بدانند چه فرهنگ ریشه‌دار و زیبایی داریم. فرهنگ ما، آبرو و اعتبار ماست و وظیفه تک تک ما ایرانی‌ها، حفظ سنت‌ها و آداب و رسوم‌مان است.

**و سخن آخر سال...**

آرزو می‌کنم در سال جدید هموطنان عزیزم بخصوص جوان‌ها که به آنها امیدوارم، کار و تحصیلات‌شان را جدی بگیرند و به کانون گرم خانواده احترام بگذارند چون این خانواده است که ما را به اینجا رسانده است. همچنین دوست دارم جوان‌ها خودشان را باور کنند.

اجرا بکند و برنامه‌هایی که در آنها شعر و ادبیات ایران مطرح است، واقعا باید مطالعه کند.

**اشاره کردید که با شعرخوانی وارد رادیو شدید، چه برنامه‌هایی را آن زمان اجرا می‌کردید؟**

قبل از اینکه در اواخر دهه ۴۰ وارد رادیو ایران بشوم، چون همسر در شهرستان گرگان بودند، من هم کار را با گویندگی در مرکز گرگان و با خبر آغاز کردم، هر چند که برنامه‌های ادبی رادیو گرگان را هم اجرا می‌کردم. وقتی به تهران آمدم، شنیدم که رادیو ایران گوینده جذب می‌کند. من هم در آزمون شرکت کردم و برای قبولی در این آزمون، باید شعر می‌خواندم. جالب است برایتان بگویم که پشت جلد این نوارها هیچ‌گونه

**چه توصیه و پیشنهادی برای گویندگانی که می‌خواهند در عرصه شعر و شاعری فعالیت داشته باشند، دارید؟**

بر اساس تجربه خودم باب صحبت را باز می‌کنم. من همیشه در کار شعر مطالعه می‌کردم، چون علاقمند بودم که شعرها را درست بخوانم و بفهمم. نکته اصلی اینجاست ممکن است یک بیت شعر را در ظاهر همه بخوانند و هر کس هم برداشتی از آن داشته باشد که یکی از آنها درست است و بعضی دیگر نادرست. من اگر متوجه معنای شعری نشدم، چند بار آن را می‌خوانم و از کارشناسان می‌پرسم تا غلط‌هایم را تصحیح کنند و بعد شعرخوانی می‌کنم. کسی که بخواند شعری را

## گپ نوروزی با ۲ گوینده موفق سال ۹۲

سیمای پویا

## صدای خوب کافی نیست



صدای او را بارها در برنامه‌های مختلف شبکه‌های رادیویی همچون راه شب، جعبه موسیقی، گلستانه، نیستان، کلک خیال‌انگیز، بانگ نای و مشاعره فرهنگ شنیده‌ایم و با آنها خاطره داریم. نرگس اصفهانی که دانش‌آموخته مقطع کارشناسی فیلمسازی از دانشکده صدا و سیماست سال ۶۶ کار خود را در صدا و سیما آغاز کرد. او دوشنبه نوزدهم اسفند ۹۲ از طرف معاونت صدا به‌عنوان گوینده برتر به دلیل اجرای برنامه مشاعره فرهنگ رادیو فرهنگ انتخاب شد. با ایشان گفت‌وگوی کوتاهی انجام شده که می‌خوانید.

**شما چه تعریفی از گویندگی دارید؟**

فقط داشتن صدای خوب کافی نیست. گویندگی تلفیقی از فن، مهارت، دانش و هنر است. هنر گوینده، القای حس و به تعبیری فضای برنامه به مخاطب است. عشق به کار یکی دیگر از اصول کار گویندگی است، زیرا عشق و علاقه به کار علاوه بر این که انگیزه فرد را چند برابر می‌کند، مانع دیده شدن سختی‌های کار هم می‌شود.

**روزآمدی چقدر در اجرای موفق نقش دارد؟**

دانش و به روز بودن اطلاعات، نقش بسزایی در حیطه کار گویندگی دارد. دیگر زمان تکرار حرف‌های کلیشه‌ای نیست، بلکه تاثیری که یک برنامه بر ذهن مخاطب می‌گذارد علاوه بر نقش صدای خوب به جنس و توانایی صدا، فن و مهارت گویندگی هم بستگی دارد. یک گوینده موفق و حرفه‌ای بیش از این که بر خود تمرکز کند باید بیشترین توجه و تمرکز را بر مخاطب و شنونده

خود داشته باشد. هنگام اجرا هرگز مفتون و شیفته صدای خود (یا به عبارت دیگر هیپنوتیزم صدای خود) نشود و در هر شرایطی برای برقراری ارتباط موثرتر با مخاطب باید از تکلف، اغراق و صداسازی پرهیز شود. لازمه گویندگی، داشتن این چند عامل و صدای مناسب است. دیگر این که از آموخته‌ها و تجربیات استادان این هنر به نحو شایسته‌ای باید بهره برد. همان‌طور که غرور، آفت کار گویندگی است احساس مسئولیت، رمز موفقیت است.

**ارتباط با مخاطب را چگونه تعریف می‌کنید؟**

من سال‌هاست در شبکه‌های مختلف رادیویی نظیر رادیو پیام، ایران، جوان، فرهنگ، اقتصاد و صدای آشنا کار کرده‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که کاری موفق است که مخاطب با آن ارتباط حسی و ملموس برقرار کند. از تکراری بودن بهره‌ریم همان‌طور که بهار و طبیعت تکراری نیست و هر روز پیامی جدید برای ما دارد.

## با جوان‌ها از زبان خودشان حرف می‌زنم

متولد بیست و چهارم خرداد ۱۳۶۶ است. کارش را در دوران دانشجویی با گزارشگری در تلویزیون همدان شروع کرد، سپس مجری رادیو و تلویزیون همدان شد. از سال ۱۳۸۸ هم به‌عنوان نماینده رادیو جوان در همدان با شبکه رادیوی جوان همکاری خود را آغاز کرد. پیمان طالبی از اواخر سال ۸۹ به تهران آمد و در رادیو جوان فعالیت خود را ادامه داد.



**اجرای برنامه در هر شبکه رادیویی شیوه و شگرد خاصی دارد. شما از چه شیوه‌ای استفاده می‌کنید؟**

رکن اصلی کار در رادیو جوان با انرژی بودن است؛ باید با انرژی جوانی و سر حال با مخاطبان هم‌کلام شد. من مثل یک دوست صمیمی با جوان‌ها صحبت کرده و حرف دل آنها را ساده و بی‌ریا بیان می‌کنم.

**از عید و عیدی گرفتن چه خاطره‌ای دارید؟**

خاطرات عید در دوران کودکی برابم تداعی می‌شود. از چند روز به عید مانده به این فکر می‌کردم که عیدی پدر چیست. آن وقت‌ها که حدود ده سال داشتم عیدی پدرم ۵۰۰ تومان بود، ولی حالا زیاده شده است. بعضی از اقوام و دوستان هم پوشاک عیدی می‌دهند؛ البته یکی از دوستانم چند سال پیش نیم‌سکه بهار آزادی به من هدیه داد. سال گذشته از مادرم و مادر همسر سکه عیدی گرفتم. در کل عیدی دادن سنت قشنگی است؛ مرور خاطرات عید هم خالی از لطف نیست گرچه من از عیدها خاطرات چندان خوبی ندارم. من بچه درسخوانی بودم. همان دو روز اول پیک شادی را می‌نوشتم. حتی خاطرات تعطیلات عید را براساس تخیلات ذهنی خودم می‌نوشتم. اما دو سال پی در پی با عضا به دید و بازدید عید رفته‌م، سه روز قبل از نوروز سال ۸۲ پای چپ من شکست و اوایل نوروز ۸۳ هم پای راستم. در کل باید بگویم عیدها به من خیلی خوش نمی‌گذرد. خودم دلیل این حس را نمی‌دانم. مثلا سیزده به‌در سه سال پیش، قبل از ظهر هفت‌سنگ بازی می‌کردیم، طوری خوردم زمین و زخمی شدم که هنوز آثار آن روی زانویم پایم هست!

**امسال در ایام عید برنامه رادیویی دارید؟**

برنامه تولیدی دارم؛ الان در حال ضبط بخش‌های پایانی آن هستم. به همکاران گفتم امسال سال اول زندگی مشترک من است، اجازه بدهید در کنار خانواده باشم. دوستان هم قبول کردند و این‌طور به من عیدی دادند. حلول سال ۱۳۹۳ را پیشاپیش به هموطنان عزیز تبریک عرض می‌کنم و می‌گویم امیدوارم شاد باشید، نه یک روز بلکه هر روز.

# يك صبحانه كامل راديويي

برنامه راديويي «صبح تهران» نشاط را به خانه‌ها مي آورد



مریم کریمی

برنامه‌های راديو و تلويزيون، اين روزها با حال و هوای نوروزی روی آنتن می‌رود، بویژه برنامه‌های صبحگاهی که رنگ تازه‌ای به صبح مخاطبان می‌دهد تا آنها را برای آغاز یک روز تازه و موفق آماده کند. پس در توفیق یک برنامه صبحگاهی لازم است نشاط و حس زندگی از همان ابتدای روز به شنوندگان هدیه شود. ما هم از شلوغی بازار و همه‌همه روزهای پایانی سال بی‌نصیب نمی‌مانیم. با این که ساعتی از آغاز صبح نگذشته است، مجالی برای بالارفتن از پله‌های مترو ۱۵ خرداد، بازار بزرگ تهران نیست. وقتی وارد استودیوی راديو تهران می‌شوم، چند ثانیه‌ای بیشتر به پخش برنامه نمانده است. گوینده پخش، صبح تهران راديو تهران را تقدیم شنوندگان می‌کند.

ساحل کریمی، مجری برنامه با نام پروردگار مهربان صحبت‌های خود را آغاز می‌کند؛ تا پایان سال، چند روزی باقی است. امیدوارم روز خوبی را آغاز کرده باشید و دیگران را فراموش نکنید. به صبح تهران راديو تهران خوش آمدید. تا ساعت ۸ و ۲۵ دقیقه همراه لحظه‌های شما هستیم با یک صبحانه کامل شنیداری.

در فواصل برنامه، مجری خبرهای مهم روز را به اطلاع مخاطبان برنامه می‌رساند: «کاهش ۴۰ درصدی بازار آجیل، انباشته شدن ۵۰۰۰ تن زباله در سواحل دریای خزر و... ارائه اخبار برگزیده با هدف اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی همراه با ملاک‌هایی همچون جذابیت و اثرگذاری به اطلاع شنوندگان می‌رسد. اگر قصد دارید از وضع خیابان‌ها و مسیرهای پرشلوغ مطلع شوید، لحظاتی با اخبار ترافیکی صدای شهر راديو تهران همراه باشید، نگاهی داریم به ترافیک سنگین برخی معابر، بزرگراه شهید همت مسیر غرب به شرق قبل از بلوار جنت‌آباد تا پل اشرفی اصفهانی و... ضمن اعلام مسیرهای شلوغ و پر ترافیک، پیام‌های ترافیکی نیز خوانده می‌شود و گزارشگران استودیو صدای شهر با مصاحبه با مسئولان و مردم اخبار روز شهر تهران را اطلاع‌رسانی می‌کنند.» در برنامه‌های صبحگاهی، ساده‌گویی مجری، لحن پرانرژی و پسر از امید آن می‌تواند مخاطبان را برای آغاز روزی خوش آماده کند. مجری برنامه‌های صبح باید به تکنیک‌های اجرا و همچنین اطلاعات روز تسلط کامل داشته باشد. بدون شک برنامه صبحگاهی‌ای موفق است که نیازهای مخاطبانش را در این ساعت از صبح بشناسد و براساس تحقیق و پژوهش، برنامه تولید کند. معمولاً برنامه‌هایی با مخاطب زیاد رویه‌رو می‌شود که از بخش‌های متعدد، جذاب، کارشناسان و مجریان متبحر استفاده کند.

با رضا ساکی، تهیه‌کننده برنامه درباره انتخاب موضوع برنامه و تدابیری که برای جذاب‌بودن اندیشیده شده، صحبت می‌کنم. وی می‌گوید: در این برنامه با توجه به نوع مخاطب، ساعت پخش و ذائقه شنوندگان برای هر

روز یک موضوع روزانه که دغدغه و معضل شهروندان است، تعیین می‌شود. از موضوعاتی که تاکنون انتخاب شده می‌توان به استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، بلیت الکترونیک، پیاده‌روی، آلودگی هوا، خانه‌تکانی، خرید شب عید و... اشاره کرد. به نظرم برنامه‌های صبحگاهی در راديو باید متنوع و دارای ریتم شاد باشد تا مخاطبان با شنیدن آن به پویایی و نشاط برسند. یکی از نقاط قوت برنامه ایجاد امید، نشاط در جامعه و تشویق افراد به انجام دادن کارهای بزرگ است، چرا که برنامه‌های صبحگاهی تأثیری بسزا در القای شور و نشاط و افزایش امید دارد. تهیه‌کننده صبح تهران معتقد است: امید دادن یکی از انتظاراتی است که از برنامه‌های صبحگاهی می‌رود. اطلاع‌رسانی از دیگر شاخصه‌های برنامه‌های صبحگاهی است. باید با آشنایی کامل از نیازهای مخاطبان، موقعیتی که شنونده قرار دارد، جنسیت، سن و... با تجزیه و تحلیل‌های منطقی به تهیه و پخش برنامه پردازیم. مثلاً در این برنامه اگر چه اخبار متنوع و متعددی به اطلاع شنوندگان می‌رسد اما از همان صبح، ذهن مخاطب را درگیر انواع مسائل، مشکلات، دغدغه‌ها و گرفتاری‌ها نمی‌کنیم، بلکه در گزینش اخبار بسیار دقت می‌شود و بیشتر خبرهای شهری است که بر مبنای به روز بودن، تازگی و با ویژگی‌های دربرگیری بالا، نیاز شنونده‌ها برای اطلاع‌رسانی و کسب آگاهی و... انتخاب می‌شود. ساکی در پاسخ به این پرسش که موسیقی برنامه‌های صبحگاهی چه ویژگی‌هایی دارد، می‌گوید: موسیقی باید بر مبنای محتوا و موضوع برنامه انتخاب شود. از نکاتی که باید مد نظر قرار داد توجه به خلق و خوی مخاطب در این ساعت از صبح است. انتخاب موسیقی مناسب در جذب مخاطب بسیار تأثیرگذار است. در صبح تهران موسیقی‌ها و سرودهای تکراری استفاده نمی‌شود و برنامه برای مخاطب تکراری و یکنواخت نیست. یک برنامه صبحگاهی در نخستین ساعات روز ماموریت بسیج کردن نیرو و تصمیم و توان افراد جامعه را به منظور افزایش بهره‌وری و ایجاد فضای آرام و شاد در طول روز به عهده دارد.

در بخش دیگری از برنامه با استودیوی پلیس راه ارتباط تلفنی برقرار می‌شود تا آخرین گزارش‌ها از مرکز کنترل ترافیک پلیس راهور به اطلاع شنوندگان برسد: «در باند جنوبی آزادراه تهران - کرج از پل فردیس تا شهرک خاتم، ترافیک سنگین دیده می‌شود. محورهای قم به گرمسار در استان‌های سمنان و قم به علت انجام راهسازی مسدود است و در ادامه مسیرهای جایگزین عنوان می‌شود و...» از دیگر بخش‌های برنامه صبح تهران اطلاع‌رسانی اخبار حوزه فرهنگی و هنری است. در این قسمت طبعه نهانی، آخرین اخبار در زمینه تئاتر، موسیقی، سینما و همچنین برپایی نمایشگاه‌ها و دستاوردهای ارائه شده را به اطلاع مخاطبان می‌رساند. در این برنامه ضمن این که در فواصل بخش‌های مختلف، اخبار مهم توسط

مجری به اطلاع شنوندگان می‌رسد، به منظور کسب اطلاعات بیشتر با مسئول مربوط نیز ارتباط تلفنی برقرار می‌شود تا از زبان مسئولان و با بیان جزئیات، اخبار در اختیار شنوندگان قرار گیرد.

در ایستگاه خبر، خلاصه اخبار روز با رویکردی مثبت به سمع شنوندگان می‌رسد. آلبرت کوچوی، گوینده بخش‌های خبری و مطبوعات، اخبار برگزیده روزنامه‌های صبح تهران و خبرگزاری‌ها را با هدف اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به سمع شنوندگان می‌رساند. ملاک‌هایی همچون تأثیرگذاری بر مخاطب، جذابیت، اثرگذاری، انگیزه محوری و اطلاع‌رسانی در انتخاب اخبار تأثیرگذار است.

گزارشگران برنامه نیز با حضور در سطح شهر به صورت زنده گزارش‌های مردمی را با موضوعات متنوع شهری، شهرنشینی و فرهنگ ترافیک تهیه می‌کنند. سوژه این روزهای گزارشگران هم حال و هوای عید و بهار به خود گرفته است و با مردم و فروشندگان درباره خانه‌تکانی، خرید، ماهی شب عید و... صحبت می‌شود. از علاقه‌مندان به ورزش نیز غفلت نشده است و آخرین خبرهای ورزشی را محمد میر با تازه‌های ورزشی به اطلاع شنوندگان می‌رساند.

این برنامه توجه ویژه‌ای به حیات جانوری ایران دارد و همیشه درباره اخبار مرتبط با حیوانات، پرندگان و زیستگاه آنها صحبت می‌شود. در این بخش از برنامه نیز درباره انقراض سمندر لرستانی صحبت شده و این که سمندر لرستانی در روزهای پایانی سال خرید و فروش غیرقانونی می‌شود و...

از آنجا که صبح، ساعت حرکت، نشاط و پویایی است، یک برنامه صبحگاهی فضای متفاوتی می‌طلبد و باید چه در اخبار، چه بخش‌های دیگر در آن شادابی و نشاط وجود داشته باشد. ایجاد خلاقیت، چگونگی بر خورد با مشکلات، شکست‌ها و بحث آموزندگی، بسیار مهم است که باید در تولید این گونه برنامه‌ها به آن توجه شود. توجه به خلق و خوی مخاطب، نوع موسیقی، زمان‌شناسی، ارائه مولفه‌ها و سبک صحیح زندگی براساس آموزه‌های دینی و قرآنی از ویژگی‌های یک برنامه صبحگاهی موفق است.

## تنظیم موج

برنامه راديويي صبح تهران شبکه تهران حرکت، نشاط و پویایی توأم با امید و امیدواری را برای شنوندگان خود به ارمغان می‌آورد. مجله‌ای شنیداری که با رویکرد اطلاع‌رسانی و ایجاد شور و نشاط برای آغاز یک روز کاری با بخش‌های متنوع و مختلف هر روز از ساعت ۷ صبح از موج اف.ام.ردیف ۹۴ مگاهرتز همراه شنوندگان است.

## قاب در پیامک

۸۷۰۱---۰۹۱۲: برنامه مناظره یکی از جذاب‌ترین برنامه‌های امسال بود که در زمینه‌های مختلف برای مردم حرف داشت. ای کاش برای تعطیلات نوروز با این مناظره‌ها را دوباره پخش یا مناظره ویژه این روزها را تولید کنند.

۳۷۱۹---۰۹۱۲: من یک انیماتور هستم و گرچه مشکلات زیادی در این زمینه داریم، اما همین که به گوشه‌هایی از این مشکلات اشاره کردید، کافی است. از گزارش خوب قاب کوچک درباره انیمیشن تلویزیونی تشکر می‌کنم.

۳۴۱۰---۰۹۳۷: با رضا بابک، بازیگر و جلال مقامی و سعید مظفری دوبلورهای قدیمی تلویزیون گفت‌وگو کنید.

۱۷۸۲---۰۹۳۹: آیا سریال «معراجی‌ها» نوروز امسال پخش خواهد شد؟

نسخه سینمایی آن، این روزها در حال نمایش در سینماهای کشور است. پخش این سریال به پایان نمایش عمومی آن موکول شده است.

۲۳۲۲---۰۹۱۳: با توجه به موفقیت سریال «پایتخت ۲» که به ساخت «پایتخت ۳» منجر شد، پیشنهاد می‌کنم ادامه سریال‌های موفق دیگر مثل «آوای باران» و کارهای رضا عطاران ساخته شود.

۹۳۱۳---۰۹۱۲: لطفاً صفحات بیشتری به دوبله اختصاص دهید.

۱۷۰۹---۰۹۱۷: با یادداشتی که در شماره گذشته قاب کوچک نوشته‌اید، موافقم. بعضی از انتقادهای خبرگزاری‌ها از تلویزیون خیلی غلوآمیز بوده و نشانه غرض‌ورزی آنهاست تا چیز دیگر.

۱۳۴۱---۰۹۱۲: چرا قاب کوچک برخلاف سال گذشته از پشت صحنه سریال‌های نوروز ۹۳ بخصوص پایتخت ۳ گزارشی منتشر نکرد؟

بجز یک سریال، گزارشی از بقیه سریال‌های نوروزی منتشر نکردیم، چرا که این گزارش‌ها قرار است در شماره ویژه عید روزنامه جام جم منتشر شود.

۲۸۱۸---۰۹۱۹: چندسال پیش شایعه شده بود قرار است مسعود کیمیایی سریال «پوریای ولی» را برای تلویزیون بسازد. این سریال توسط او ساخته می‌شود؟

خیر، آن همکاری در حد پیشنهاد بود و به مرحله عمل نرسید.

۹۰۱۹---۰۹۳۶: به همه دست‌اندرکاران راديو و تلویزیون بابت تلاش یکساله آنها خسته نباشید می‌گویم و امیدوارم سال خوبی را پیش رو داشته باشند.

۱۷۹۱---۰۹۱۳: از تهیه‌کنندگان برنامه خوب «ورزش از نگاه ۲» به خاطر دعوت از لوتار ماتیوس و گفت‌وگوی خوبی که با او انجام دادند، سپاسگزارم.

۱۰۷۳---۰۹۱۲: اگر ممکن است در تلویزیون درباره حمایت از تولید داخلی و مصرف تولیدات داخلی تبلیغ شود تا مردم بیشتر از محصولات تولید داخلی استفاده کنند. این کار مانع تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری جوانان خواهد شد. با تشکر از قاب کوچک.

۱۷۹۸---۰۹۱۲: به عنوان یک شنونده پروپاقرص راديو خواهشمندم حجم صفحات راديويي قاب کوچک را افزایش دهید.

۱۸۹۱---۰۹۱۳: در سالی که گذشت اجرای احسان علیخانی و مژده لوراسانی خیلی به چشم آمد. به آنها خسته نباشید می‌گویم.

۲۴۸۸---۰۹۱۸: با تشکر از مسئولان تلویزیون، خواهشمندم با آغاز سال نو و برای استفاده بینندگان شهرستانی از شبکه‌هایی چون نسیم و جام جم ۱ زمینه دیدن آنها را از گیرنده‌های دیجیتال فراهم آورند.

۱۸۱۱---۰۹۳۸: از برنامه‌ریزان تلویزیون می‌خواهم طوری جدول پخش برنامه‌ها را تنظیم کنند که برخی برنامه‌های جذاب به جای ساعات نیمه شب، در زمانی که اعضای خانواده دورهم جمع هستند، روی آنتن برود.

قسمت‌های بعدی بتمن شروع می‌شود. فصل اول مجموعه، ۱۳ قسمت و هزینه آن حدود ۱۲ میلیون دلار خواهد بود.

به گفته دنی کانن، ما می‌خواهیم در مجموعه اکشن فانتزی و جنایتکارانه‌مان، تاریخ مرد خفاشی را به صورت کامل تعریف کنیم. به همین دلیل، ضرورت زیادی وجود دارد که شخصیت‌های نزدیک به بتمن (که قبل از او حضور و فعالیت داشته‌اند) هم به صورت کامل معرفی شوند. قصه مجموعه ما با جیمز گوردون شروع می‌شود و بروس وین در ابتدای کار، نقش و حضور مهمی در قصه ندارد. به مرور و با پیشرفت ماجراها، شخصیت بروس وین برجسته‌تر می‌شود و کم‌کم به صورت شخصیت اصلی و محوری قصه در می‌آید.

تا به حال بجز دیوید مازوز، حضور بازیگرانی مثل جیدا پینکت اسمیت، سارا پاکستن، دونالد لوگ و بن مکنزی در مجموعه قطعی شده است. مکنزی در نقش بازرس سرسخت اداره پلیس جیمز گوردون بازی خواهد کرد. تماشاگران تلویزیون مازوز را بیش از هر چیز، برای مجموعه درام و دلهره‌آور پربیننده «لمس» می‌شناسند. این بازیگر چهارده ساله در این مجموعه (که سال ۲۰۱۲ روی آنتن رفت) در نقش پسر نوجوانی به نام جیک بوم بازی کرد. او که در قصه مجموعه پسر کپنر ساترلند بود، از قدرت ذهنی بالایی برخوردار بود و می‌توانست یک سری اتفاقات پیش‌رو را پیش‌بینی کند. این موضوع در دسرهایی برای این پدر و پسر خلق می‌کند. در بتمن او نقش دوران نوجوانی شخصیت بروس وین (قبل از این که تبدیل به بتمن شود) را بازی می‌کند. مازوز درباره نقش و مجموعه تازه‌اش می‌گوید: قصه‌ها و فیلم‌های ابرقهرمانانه و کمیک استریپی را دوست دارم و خیلی خوشحالم که در تلویزیون در نقش دوران نوجوانی یکی از آنها بازی می‌کنم. فیلم‌های سینمایی که درباره بتمن ساخته شدند، همه مربوط به دوران بزرگسالی او هستند. از این‌ نظر، مجموعه تلویزیونی ما یک کار جدید در رابطه با این ابرقهرمان است.

ماجرای‌های بتمن در کنار مجموعه انیمیشنی کلاسیک تلویزیونی خود، برای اولین بار سال ۱۹۸۹ توسط تیم برتن تبدیل به یک فیلم سینمایی زنده شد. مایکل کیتن بازیگر نقش بروس وین / بتمن، این نقش را در قسمت دوم آن سال ۱۹۹۲ تکرار کرد. سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷ قسمت‌های سوم و چهارم فیلم ساخته شد. بوئل شوماخر این فیلم‌ها را کارگردانی کرد و وال کیلمر و جورج کلونی بتمن‌های آنها بودند. کریستوفر نولان در سال ۲۰۰۵ دست به احیای این مجموعه فیلم زد و نسخه تازه‌ای از آن را کارگردانی کرد که از سوی منتقدان با تحسین روبه‌رو شد. منتقدان گفتند وی حال و هوای سیاه و تلخ به قصه‌های فانتزی کمیک استریپی داده و این ژانر را وارد دنیای تازه‌ای کرده است. در سه‌گانه بتمنی نولان (که سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ به نمایش عمومی درآمدند) کریستین بیل نقش بروس وین / بتمن را به عهده داشت.



# پرواز «بتمن» به دنیای تلویزیون

حضور دارند، تبدیل به مرد خفاشی می‌شود و قدرت‌های ویژه‌ای کسب می‌کند. او توسط پیشخدمت آلفرد بزرگ می‌شود. آلفرد یکی از معتمد‌های والدین بروس وین بود و همیشه و در همه حال، به بروس وین کمک می‌کند و با دلسوزی تمام مراقب او است.

تهیه‌کنندگان بتمن می‌گویند احتمال زیادی وجود دارد نام آن را به «گوتام» تغییر دهند. اولین قسمت مجموعه مثل تمام کارهای تلویزیونی دیگر، یک فیلم سینمایی تلویزیونی یک ساعت و نیمه خواهد بود. کارگردانی اپیزود اول را دنی کانن به‌عهده دارد. این فیلمساز انگلیسی تبار تلویزیون، قبل از این با پروژه‌های مطرحی مثل «نیکیتا»، «آلگاتراز» و «سی‌اس‌آی» همکاری کرده است. وی بتمن را براساس فیلمنامه‌ای از بیل فینگو و باب کین کارگردانی خواهد کرد. این اپیزود تا قبل از پایان سال میلادی، آماده پخش شده و روی آنتن خواهد رفت.

قصه به دورانی قبل از شروع ماجراجویی‌های بزرگسالانه بروس وین سفر می‌کند. به این ترتیب، مضمون فیلمنامه درباره ظهور جیمز گوردون بازرس ویژه پلیس و آلفرد سرپیشخدمت بروس وین در شهر گوتام است. پس از پخش اپیزود اول، کار تولید

در این مکان حضور دارند و فعالیت‌های ضداجتماعی و جنایتکارانه خود را انجام می‌دهند.

اهالی شهر گوتام احترام بسیار زیادی برای بروس وین قائل هستند ولی کسی نمی‌داند پشت چهره آرام این مرد، چه موجودی زندگی می‌کند و او واقعا کیست. تنها کسی که از راز بزرگ زندگی بروس وین خبر دارد، مباشر پیر و مهربان او آلفرد پنی‌وورث است. بروس وین هم شبیه بقیه شخصیت‌های قصه‌های کمیک استریپی، یک ابرقهرمان به نام بتمن است که در مواقع خطر و اضطراب هویت و لباس عوض کرده و تبدیل به یک ابرقهرمان ماجراجو و پر قدرت می‌شود. دشمنان بتمن هم مثل خود او حال و هوایی کمیک استریپی دارند و شامل موجوداتی عجیب و غریب و خاص می‌شوند. تعداد زیادی از این شخصیت‌ها، موجوداتی کاریکاتورگونه از آدم‌های خبیث و بدطینت حاضر در جامعه هستند. دیوید مازوز اولین بازیگری نیست که جلوی دوربین در نقش بروس وین / بتمن بازی می‌کند ولی سرنوشت او همان سرنوشت بتمن‌های دیگری است که توسط بازیگران مختلف بازی شده‌اند. والدین او هم در دوران کودکی، توسط چند خلافکار به قتل رسیده‌اند. بروس در دوران کودکی تحت تاثیر خفاش‌هایی که در محیط زندگی‌اش

روایتی / مترجم: کیکاووس زبیری

نسخه تازه و زنده ماجراجویی‌های «بتمن» از سوی تلویزیون تهیه و تولید می‌شود. واحد تلویزیونی کمپانی برادران وارنر، تولید این مجموعه اکشن و ابرقهرمانانه را به عهده دارد. مجموعه تلویزیونی «بتمن» براساس قصه کمیک استریپی کلاسیک شرکت انتشاراتی دی سی کامیکز ساخته می‌شود. این شرکت در ساخت مجموعه تازه تلویزیونی بتمن با واحد تلویزیونی کمپانی برادران وارنر همکاری خواهد کرد. مسئولان کمپانی برادران وارنر می‌گویند بحث تولید این مجموعه تلویزیونی از یک سال قبل جدی شد، ولی آنها ترجیح دادند خبر ساخت آن را رسانه‌ای نکنند اما حالا که بازیگر نقش اصلی مجموعه انتخاب شده، تهیه‌کنندگان آن هم صحبت درباره «بتمن» را آغاز کرده‌اند. دیوید مازوز از بین بیش از بیست بازیگر تلویزیونی، برای ایفای نقش شخصیت بروس وین انتخاب شد. بروس وین هم مثل تمام شخصیت‌های اصلی قصه‌های مصور ابرقهرمانانه، آدمی با هویت دوگانه است. وین یکی از میلیاردرهای معروف شهر خیالی گوتام است. گوتام شباهت زیادی به شهر نیویورک دارد و نیروها و افراد شرور و خلافکار،

## مت رایان «کنستانتین» ماجراجوی تلویزیون می‌شود



از روش‌ها و حربه‌هایی استفاده می‌کند که برای مردم عادی قابل درک و تصور نیست. اولین اپیزود کنستانتین به صورت یک فیلم سینمایی تلویزیونی یک ساعت و نیمه ساخته خواهد شد. کارگردانی این اپیزود را نیل مارشال به عهده دارد. قرار است مجموعه کنستانتین برای نیمه دوم سال جاری میلادی آماده پخش شود.

نقش را به مت رایان بسپارند، مسئولان شبکه ان.بی.سی که تهیه‌کننده مجموعه هستند، می‌گویند رایان بهترین گزینه برای ایفای این نقش است و تماشاگران پس از دیدن بازی او، این نکته را تأیید خواهند کرد. رایان در کنار بازی در مجموعه‌هایی مثل «مشکوک رفتار» و «ذهن‌های جنایتکار» بازیگر تعدادی از محصولات سینمایی هم بوده است.

بازیگر نقش جان کنستانتین در مجموعه تلویزیونی «کنستانتین» پیدا و انتخاب شد. مسئولان شبکه تلویزیونی پس از دو ماه جستجو و تست گریم از حدود ۲۰ بازیگر سرشناس و تازه وارد تلویزیونی، مت رایان را برای حضور در مجموعه اکشن علمی و تخیلی خود انتخاب کردند، رایان، بازیگری ایرلندی است که بیشتر از هر کار هنری دیگری، به دلیل صدایش در قسمت چهارم بازی ویدئویی پرطرفدار «عقیده ترور» شهرت دارد. منتقدان و تحلیلگران تلویزیونی می‌گویند وی به اندازه کیانو ریوز (که در نسخه سینمایی کنستانتین نقش اصلی را بازی کرد) مشهور نیست، ولی حضورش در این مجموعه باعث شهرت زیاد او خواهد شد. قبل از این شنیده می‌شد پل بتانی برای بازی در نقش جان کنستانتین در مجموعه تلویزیونی کنستانتین بازی خواهد کرد اما بنا به دلایلی که مشخص نیست، تهیه‌کنندگان این اکشن دلهره‌آور فراطبیعی ترجیح دادند ایفای این

از فیلم‌های سینمایی او می‌توان به «آمیستاد» و «لایه یک» اشاره کرد. این بازیگر سی و سه ساله در مجموعه جدید تلویزیونی خود در نقش یک کشیش پرتحرک به نام جان کنستانتین ظاهر می‌شود. او که متخصص مبارزه با نیروهای شیطانی و شر است، به مردمی کمک می‌کند که ارواح خبیث و شیطانی روح آنها را تصرف کرده‌اند. همین موضوع، او را درگیر یک سری ماجراجویی هیجان‌انگیز می‌کند. جان کنستانتین برای مقابله و مبارزه با نیروهای شیطانی،

**قاب‌تویچ**

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی [ghabekoochak@jamejonline.ir](mailto:ghabekoochak@jamejonline.ir) بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.